

به نام یگانه هستی

جویش و پویشی بر چرائی توسعه‌کره جنوبی و نتایج آن:

ماحصل تدبیر است یا تقدیر؟

آموزه‌های ما و چارسوی بسته توسعه ایران

گزارش شماره ۱

بازبینی راهبرد توسعه در کره جنوبی:

# دیدگاه مداخله‌گرایانه

نوشته : Yoon Heo (Ph.D)

کمیسیون اقتصاد کلان

اتاق بازرگانی ، صنایع ، معادن و کشاورزی ایران

آذرماه ۱۳۹۱



## فهرست

گفتار آغازین .....	صفحه ۲
چکیده .....	صفحه ۱۲
مقدمه .....	صفحه ۱۳
تعاریف .....	صفحه ۱۵
مناقشه اصلاح سیاست دهه ۱۹۶۰ .....	صفحه ۱۸
تحركبخشی صنایع سنگین و شیمیایی و عملکرد آنها .....	صفحه ۲۲
جابجایی هدف و ارتقای دائمی .....	صفحه ۲۵
نتیجه‌گیری .....	صفحه ۲۹
یادداشت‌ها .....	صفحه ۳۰
منابع .....	صفحه ۳۴



## گفتار آغازین:

**چرا کره جنوبی علی‌رغم اینکه دیرتر از کشور ما برنامه‌های توسعه خود را شروع کرد بهتر توانست فراگرد توسعه را به انجام رسانده و امروز توسعه یافته تلقی گردد؟** قبل از ارائه برخی از وجوه پاسخ‌ها، با تعریف توسعه می‌توان فضای لازم این گزارش را روشن‌تر نمود.

واژه "توسعه" با کاربرد مورد انتظار مفهومی عام، به یکی از واژه‌های پرکاربرد در بسیاری از کشورها تبدیل گردیده است. بکارگیری این واژه ابتداء در جوامع پیشرفته، چه از نظر علمی و چه از منظر علوم اجتماعی و به ویژه اقتصاد شروع گردیده است. استفاده همه‌گیر آن، خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم و استقلال کشورهای تحت استعمار، و به عنوان واژه‌ای برای تحلیل و درک دلایل پیشرفت و یا عدم پیشرفت کشورها از دهه ۱۹۵۰ وسعت گرفت.

برای تعریف این واژه، حتی در کشورهای پیشرفته و توسعه یافته که خود در خلق علوم پیشرفته، فن‌آوری و علوم اجتماعی و خصوصاً علم اقتصاد در چند سده اخیر پیشگام بوده‌اند، **اجماعی وجود ندارد**. این موضوع و تعریف آن زمانی که به کشورهای در حال توسعه می‌رسد، بدین سبب که خود در ارتقاء علوم در جنبه‌های مختلف طی چند سده گذشته دستی نداشته‌اند، تعاریف را مشکل‌تر می‌نماید. از این رو مفهومی قابل جایگزینی و قابل فهم در ذهن را، اجباراً با بسط بیشتری باید به کار گرفت.

بطور عرفی و حسی از بکارگیری واژه "توسعه"، می‌توان تصویر و مفهومی را در ذهن شکل داد و با توجه به گستردگی بکارگیری این مفهوم در شاخه‌های مختلف، نگاه متفاوتی را داشت.

در این گزارش "توسعه" از منظر **اقتصادی و صنعتی** مد نظر می‌باشد و از این رو تعریفی از این واژه ارائه می‌شود که مبنای محتوی این گزارش و گزارشهای بعدی باشد.

**توسعه** ارتقاء کیفی جوامع انسانی در زمینه‌هایی چون اندیشه، اقتصاد، سیاست و امثالهم می‌باشد و از این رو توسعه توانایی و پویایی اجتماعی است که با انسجام و نظم هوشیارانه و باورمند در سایه فهم کامل و همه‌جانبه، دانش عمیق، اندیشه و برنامه ریزی و صبر و بردباری شکوفا شده و شکل می‌گیرد. "بنابر این توسعه را می‌توان یک مجموعه‌ای تفکیک ناپذیر از آزادی، رفاه، گسترش فرصت‌ها و انتخابات و برقراری اصول حقوق بشر در جامعه مدنی تعریف کرد"<sup>(۱)</sup>. و آن را ربط فراگیر خوشبختی تمام آحاد یک جامعه انسانی و یا یک ملت دانست.

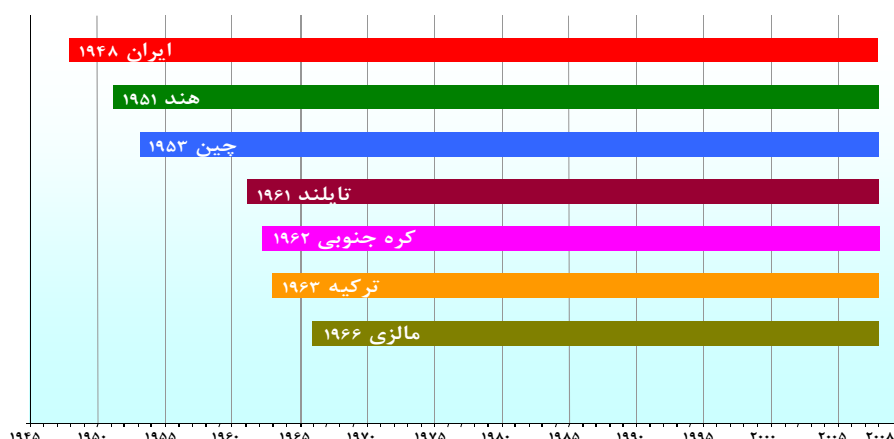
(۱) محمد قلی یوسفی، استراتژی‌های رشد و توسعه اقتصادی، نشر نی، ۱۳۸۸

با توجه به تعریف فوق، **توسعه صنعتی** " حاصل تعامل نسبتاً پیچیده عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی است که تنها با **چیدمان خاص** از مجموعه این عوامل، **تبدیل به توسعه صنعتی** می‌شود. **استراتژی توسعه صنعتی** به دنبال تنظیم این چیدمان است" (۲).

## – روند تاریخی شروع برنامه‌ریزی توسعه در آسیا

در نمودار ذیل همچنانکه مشاهده می‌شود که ایران در زمینه شروع برنامه‌های **عمرانی** (به تعبیری توسعه)، از بسیاری از کشورهای آسیایی پیشگام‌تر بوده است. لیکن دستاوردهای کشورمان از جنبه‌های اقتصادی، شاخصهای قابل تأملی را پدیدار می‌نماید.

نمودار ۶- تحول تاریخ شروع برنامه‌ریزی‌های توسعه در کشورهای منتخب آسیایی



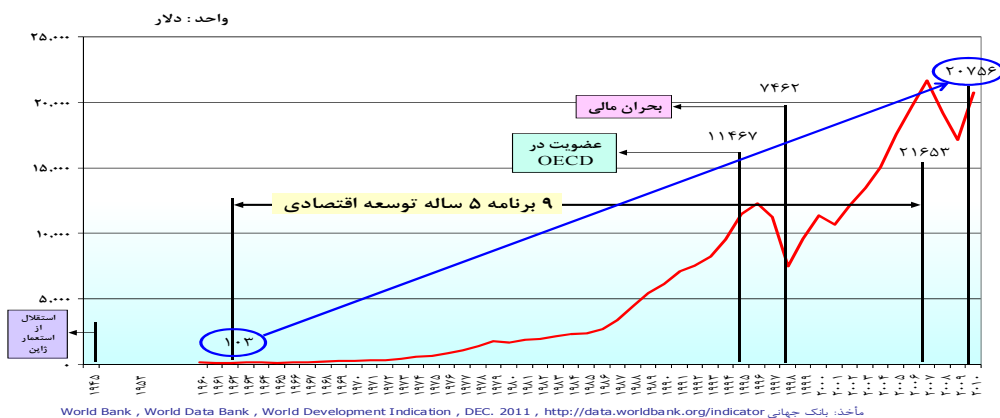
وضعیت کنونی کشورمان " به شکل اجتناب ناپذیری **محصول فرآیندهای تاریخی گذشته است** و این وضعیت بیش از هر جنبه دیگری در **مورد اقتصاد** صادق است. پژوهشگران گوناگون درباره آنچه در گذشته روی داده است، تبیین‌های گوناگونی ارائه می‌دهند و درسهای متفاوتی نیز از آن بیرون می‌کشند. آنچه مورد نیاز است، **اطلاعات و روشنگری است نه پاسخهای قاطع و نهایی**" (۳).

ایران در طول قریب ۷۰ سال گذشته و بدون داشتن نقشه‌راه بلند مدت، **کلکسیون از نظرات اقتصادی مختلف**، حاصل از علم اقتصاد، را به کار گرفته و نتایج ناموفق حاصله به هیچ وجه شایسته جایگاه کشورمان نبوده است. نمودارهای ذیل خود گویای جوهری از وضعیت کنونی است.

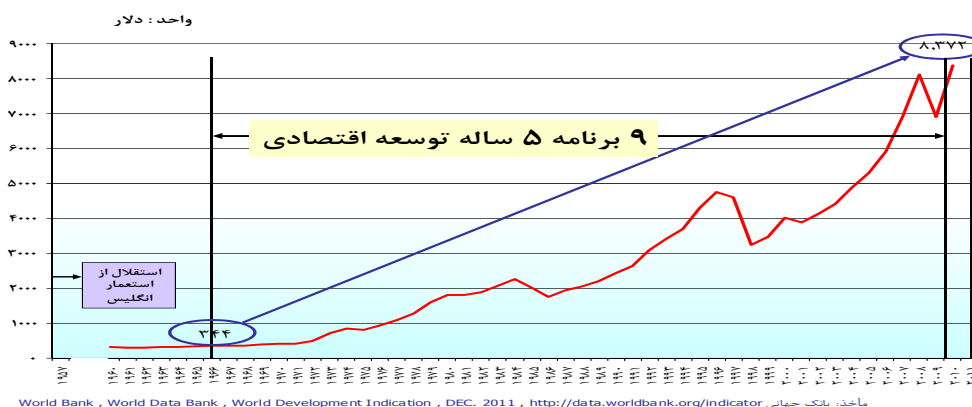
(۲) مسعود نیلی و همکاران، استراتژی توسعه صنعتی کشور، دانشگاه صنعتی شریف، ۱۳۸۲

(۳) تام کمپ، الگوهای تاریخی صنعتی‌شدن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۷۹، صفحات ۲۲، ۲۳

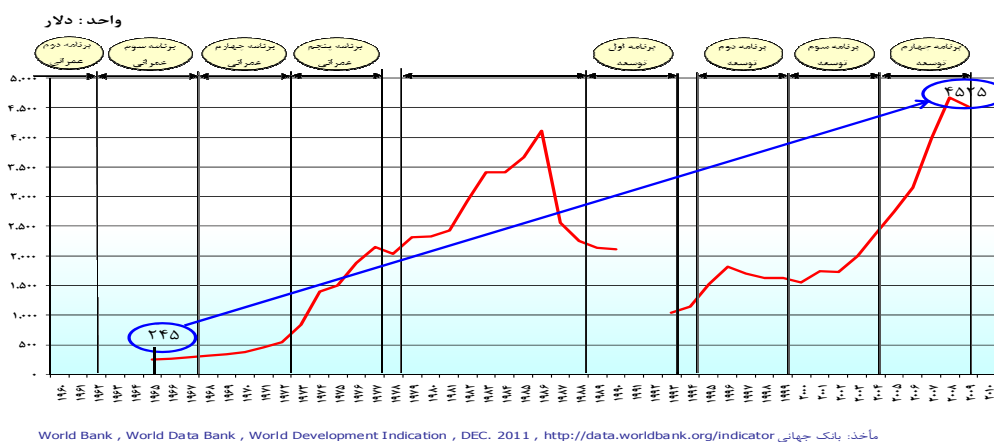
تحول سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت‌های جاری در کشور کره جنوبی سالهای ۱۹۶۰ - ۲۰۱۰



تحول سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت‌های جاری در کشور مالزی سالهای ۱۹۶۰ - ۲۰۱۰



تحول سرانه تولید ناخالص داخلی (GDP) به قیمت‌های جاری در ایران سالهای ۱۹۶۰ - ۲۰۱۰





شناخت دلیل و تبیین چرایی رخداد چنین وضعیتی، از دغدغه‌های اندیشه‌گران توسعه کشورمان می‌باشد. از همین رو **بازنگری تجربه دیگران**، شاید بتواند در شناخت مسائل محدودکننده و سپس ارائه راه حل، جهت برون رفت از وضعیت نامطلوب، کمک نماید.

### – تجربه کره جنوبی

با رهایی این کشور از استعمار ژاپن و کسب استقلال، کشور کره دچار اختلال و دوپاره‌گی در قسمت شمالی و جنوبی گردید. بخش جنوبی نیز خود مواجه با مشکلات داخلی و فقر شدید و وابستگی معیشتی به کمک‌های بیگانگان گشته و از نابسامانی‌ها در رنج بود. پس از کودتای نظامی در سال ۱۹۶۱ و روی کار آمدن ژنرال پارک چونگ هی، بلافاصله **با آگاهی کامل از عقب‌ماندگی‌های علمی، اقتصادی، فن آوری و اجتماعی**، در مقابل کشورهای توسعه یافته غرب، راه فائق آمدن بر این مشکلات را **انباشت دانش‌ها و تجارب موجود در کشور**، از طریق **تعامل و دخالت اثرمند نخبگان در تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی‌ها** به همراه دولت و ایجاد ارتباط سازنده، **حتی با دشمنان خود دانستند**.

جالب توجه است که پس از استقلال، به دلیل بدبینی به اجنبی، گفتاری در میان مردم رواج یافت بدین مضمون:

Do not be deceived by the Soviets

گول روسها را نخورید

Don't count on the Americans

روی آمریکایی‌ها حساب باز نکنید

The Japanese will soon rise again

ژاپنی‌ها بزودی بار دیگر سر بر خواهند آورد

So Koreans, be careful!

بنابراین، ای کره‌ای‌ها، مراقب باشید

David I. Steinberg, The Republic of Korea: Economic Transformation and Social Change,  
published by Westview Press Inc., 1989, page 158

ماخذ:

لیکن برای **فائق آمدن** به عدم توانایی و دانش کافی در موضع‌گیری‌های اقتصادی، توسعه‌ای، سیاسی و اجتماعی، در هنگامه تعامل با محیط خارجی و کشورهای پیشرفته، **حاکمیت خواستار مشارکت نخبگان در تصمیم‌سازیها و فرآیندهای تصمیم‌گیری** گردید و این گروه از تصمیم‌گیران که شرح تفصیلی آن در صفحه ۱۵۳ گزارش ارائه شده کمیسیون اقتصاد کلان به هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران در تاریخ ۱۳۹۱/۲/۳۱ درج گردیده، **در زمان مقتضی و به هنگام**، متوجه شدند که نمی‌توان بر مبنای نظرات مناقشه‌دار دیدگاه‌های نظری اقتصاد در خصوص محول نمودن اقتصاد به **بازار آزاد خود تنظیمی** و یا **اقتصاد دولتی سوسیالیستی** اتخاذ تصمیم نمود. به عبارتی دیگر " **نمی‌توان مطمئن بود که الگوی رایج صنعتی شدن را، خواه برگرفته از شیوه صنعتی شدن اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و خواه بر اساس شیوه‌های غربی، بتوان در مورد**



کشورهای توسعه نیافته نیز به کار برد، زیرا در مورد میزان موفقیت این الگوها در رویارویی با مشکلات خاص یاد شده تردید وجود دارد" (۴). از اینرو با توجه به این واقعیت که:

" ما از اقتصاد «کلاسیک» گنجینه‌ای از نظریه‌ها به ارث برده‌ایم که آکنده از ادعاهای کلی (است) که صحت همه آنها را نمی‌توان تضمین کرد. تا آن جا که مورد استعمال این نظریه‌ها، منحصر به این قسمت از دنیا است که ما در آن به سر می‌بریم، ادعای عمومیت ممکن است ضروری نداشته باشد. اما وقتی قرار باشد که این نظریات، که برای کشورهای توسعه نیافته جنوب آسیا مناسب و شایسته نیست، در تحقیقات مربوط به این کشورها به کار بسته شود **عواقبی وخیم خواهد داشت**. ما اقتصاددانان براساس سنت ریشه‌دار اما رنگارنگ و انعطاف پذیر تصدیق‌های بلا تصوری عمل می‌کنیم که مسلماً با اوضاع و احوال خودمان **ناسازگار نیست**، اما همین که ناگهان به سراغ کشورهای با اوضاع و احوال کاملاً متفاوت رفتیم، **خطر اشتباهات اصولی** بی‌نهایت شدت می‌یابد. چیزی که بر میزان این خطر می‌افزاید، **کمیابی داده‌های تجربی** درباره **واقعیات اجتماعی کشورهای توسعه نیافته است**" (۵).

کره تصمیم به اتخاذ شیوه‌ای گرفت که ضمن **نگهداری و حفاظت از اصول اقتصاد بازار**، لیکن با نگرش توسعه‌گرایی، دخالت **قدرتمند و متهورانه دولت** را به عنوان **کلید اصلی توسعه** و حفاظت از منافع حیاتی آحاد جامعه به کار گیرد. در همان زمان که کشور کره اولین برنامه توسعه خود را شروع نموده بود، کشور ما درگیر اجرای برنامه عمرانی سوم خود بود. در خصوص نظرات اقتصادی و توسعه، گروه مشاوران دانشگاه هاروارد که در ایران به سر می‌بردند، قبل از تصمیم سازان کره‌ای، هشدار می‌دادند که ایران تذکر دادند.

" ما بیش از پیش یقین کردیم که **جامعه سنتی** (که ایران نمونه آن است) **باید راه ویژه و احتمالاً پیچ در پیچ خود را در فرآیند پیشرفت و توسعه طی کند**. بیماری‌های این جامعه را به سختی می‌توان با نسخه‌هایی درمان کرد که **مختص شرایط جوامع توسعه یافته غرب است**.

در جامعه سنتی مفهوم تغییر باید مبتنی بر نیروهایی باشد که **تماماً از محیط خود این جامعه بچوشند**. ما در طی ماموریت خود، بیش از پیش اعتقاد پیدا کردیم که **نیروهای جهانی شمولی** که برنامه‌ریز توسعه، در جامعه در حال توسعه به سهولت یا به طور موثر بتواند بر آنها تکیه کند، **اندرک هستند**" (۶).

به عبارتی موضوع عدم وجود توانایی و دانش کافی کاربردی برای توسعه در کشورمان و نیز اندک بودن کارشناسانی که قادر به **قضاوت در همه جنبه های تصمیم گیری فنی و علمی و کاربردی** باشند، مورد توجه واقع گردید.

(۴) تام کپ، الگوهای تاریخی صنعتی شدن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، نشر نی، چاپ اول، سال ۱۳۷۹، صفحه ۲۳

(۵) گونار میردال، درام آسیایی، ترجمه دکتر منوچهر امیری، نشر امیرکبیر، سال ۱۳۶۶، صفحه ۱۶

(۶) تاس. اچ. مک لئود (سرپرست اجرایی گروه اعزامی مشاوران دانشگاه هاروارد به ایران)، برنامه ریزی در ایران، ترجمه علی اعظم محمد بیگی، نشر نی، چاپ دوم، سال ۱۳۸۱، صفحه ۷۸

و برای فائق آمدن بر این موانع، گروه مشاوران هاروارد نظری را ارائه دادند که در صفحه ۱۵۲ گزارش مذکور در فوق این کمیسیون درج گردید.

از اینرو برنامه‌ریزان کره، با مشاهده تجربیات ژاپن و غرب، زیربنای حرکت خود را بر **تولید** بنا نهادند. "تاریخ غرب و اخیراً تاریخ پیشرفت آسیا معرف این واقعیت است که هیچ عاملی به اندازه **تولید**، زمینه‌های **عقلانیت اجتماعی** و سیاسی را فراهم نمی‌کند. **تولید** به یک فرد، ملت و کشور، **اعتماد به نفس** می‌دهد، مبنای **حفظ هویت**، **حفظ استقلال** و **حفظ فرهنگ بومی** و مظهر قدرت است. **تولید**، نیروی محرکه **تغییر** است و دامنه فکر و مرزهای **فهم پدیده‌ها** را گسترش می‌دهد. **تولید** زمانی جدی می‌شود که رقابت وجود داشته باشد. **تولید** موجبات **نظم رفتاری**، **نظم فکری** و **قاعده‌مند شدن زندگی** را به وجود می‌آورد. افزایش کمیت و کیفیت **تولید** تا آنجا یک جامعه را به **سوی پیشرفت و ثبات** سوق می‌دهد که شرایط **تامین امنیت داخلی**، **امنیت ملی** و **حتی آزادی‌های مدنی و سیاسی** را **تسهیل** نماید" (۷).

در مقابل در کشورمان خدمات رشد یافت و اگر تولیدی نیز صورت گرفت، همانگونه که در صفحات ۷۱ الی ۹۵ گزارش مذکور در فوق این کمیسیون بیان گردیده، دولت‌ها در هنگامه نداشتن تصویر بلند مدت، به دلیل عدم در نظر گرفتن مفهوم واقعی **رقابت**، به اندازه‌ای واحدهای **تولیدی تکراری** و **زائد** و در بسیاری از موارد با **فن آوری پائین** ایجاد گردیده، که بعید به نظر می‌رسد، رسیدن به **صرفه مقیاس** برای همه آنها قابل حصول بوده و قادر به بقاء باشند.

این وضعیت ماحصل در دست **نداشتن راهبرد مدون، علمی، متقن، منسجم و کاربردی توسعه و نقشه راه بلند مدت اقتصاد کشورمان** می‌باشد. لذا درمقابل این پرسش قرار می‌گیریم که صرف هزینه‌گزار سرمایه‌گذاری که عموماً از محل منابع تجدیدناپذیر سهل‌الوصول خدادادی و مجانی منابع زیرزمینی و روزمینی کشور صورت پذیرفته، آیا از **منطقی علمی** برخوردار بوده؟ گذشت زمان و ناکارآمد شدن منابع انسانی و تاریخی کشور را چگونه باید محاسبه نمود؟

آنچه در این گزارش مطالعه می‌فرمائید، کم و بیش نشان دهنده راه و رویه کشورهای شرق آسیا و به طور خاص **کره جنوبی** می‌باشد. تحمل، **صبر و بردباری**، **فهم کامل از ضعف‌ها**، **تدبیر و تعقل گرایی**، داشتن برنامه راهبردی منسجم و **مستحکم توسعه** اقتصادی و **تکیه محوری** خاص بر **تولید**، منجر به نتایج تحسین برانگیزی گردیده که آنها را، نائل به جایگاه قابل تامل در مناسبات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، در سطح جهان نموده‌است. روند تحول **صادرات کالاهای دارای فن آوری پیشرفته** در کشورهای شرق آسیا که اکنون به سطوح معنی‌داری رسیده‌است، خود میتواند اثبات صحت انتخاب راهبرد صحیح توسط آنها و نشان‌دهنده **نتیجه ممارست و ابقاء تصمیم سازان** بر محور **تولید و ارتقاء دائمی** آن باشد.

(۷) محمود سریع القلم، عقلانیت و توسعه یافتگی ایران، نشر فرزانه روز، چاپ اول، سال ۱۳۹۰



ارزش صادرات کالاهای دارای فن آوری پیشرفته (Hi-Tech) در کشورهای منتخب سالهای ۲۰۱۰-۱۹۸۸

واحد: میلیارد دلار

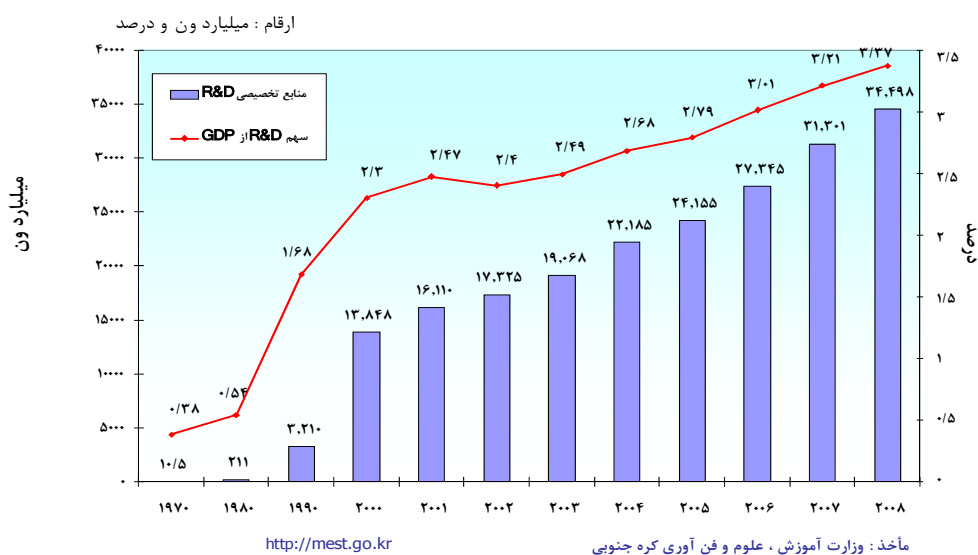
کشور	برزیل	چین	هند	ایران	ژاپن	کره جنوبی	مالزی	ترکیه
۱۹۸۸	-	-	۰/۴۰	-	۶۰/۹۹	۸/۹۸	۳/۷۳	-
۱۹۸۹	۱/۱۷	-	۰/۵۱	-	۶۴/۹۰	۱۰/۲۹	۴/۶۸	۰/۱۳
۱۹۹۰	۱/۰۵	-	۰/۵۰	-	۶۶/۶۶	۱۰/۹۴	۶/۰۵	۰/۱۱
۱۹۹۱	۰/۹۰	-	۰/۶۰	-	۷۳/۲۱	۱۲/۸۷	۷/۹۵	۰/۰۹
۱۹۹۲	۱/۰۱	۴/۳۰	۰/۶۲	-	۷۸/۴۳	۱۴/۰۲	۱۰/۲۲	۰/۱۲
۱۹۹۳	۰/۹۰	۵/۲۵	۰/۷۰	-	۸۵/۰۲	۱۵/۴۵	۱۳/۵۰	۰/۱۵
۱۹۹۴	۱/۱۰	۸/۲۶	۰/۹۶	-	۹۶/۴۹	۲۰/۱۸	۱۹/۱۷	۰/۲۲
۱۹۹۵	۱/۲۱	۱۳/۰۶	۱/۳۵	-	۱۱۱/۸۴	۲۹/۷۹	۲۵/۴۱	۰/۱۹
۱۹۹۶	۱/۵۸	۱۵/۸۲	۱/۶۶	-	۱۰۱/۸۲	۳۷/۶۶	۲۶/۳۳	۰/۲۸
۱۹۹۷	۲/۱۳	۲۰/۴۸	۱/۶۹	-	۱۰۴/۹۹	۳۱/۵۰	۲۹/۵۰	۰/۴۲
۱۹۹۸	۲/۶۱	۲۴/۶۴	۱/۴۱	-	۹۵/۴۹	۳۰/۹۳	۳۱/۶۶	۰/۴۵
۱۹۹۹	۳/۳۹	۲۹/۶۰	۱/۶۸	۰/۰۱	۱۰۴/۶۵	۴۱/۳۸	۳۹/۹۹	۰/۸۷
۲۰۰۰	۵/۹۹	۴۱/۷۴	۲/۰۶	۰/۰۱	۱۲۸/۹۰	۵۴/۳۳	۴۷/۰۳	۱/۰۸
۲۰۰۱	۶/۰۶	۴۹/۴۱	۲/۲۹	۰/۰۳	۹۹/۴۶	۴۰/۳۶	۴۰/۹۳	۰/۹۹
۲۰۰۲	۵/۲۲	۶۹/۲۳	۲/۳۵	۰/۰۴	۹۵/۸۸	۴۶/۹۴	۴۲/۵۸	۰/۵۴
۲۰۰۳	۴/۵۱	۱۰۸/۶۷	۲/۷۱	۰/۰۵	۱۰۷/۰۸	۵۷/۴۶	۴۷/۳۷	۰/۷۶
۲۰۰۴	۵/۹۵	۱۶۳/۰۱	۳/۳۶	۰/۰۷	۱۲۶/۲۵	۷۶/۱۲	۵۲/۲۷	۱/۰۱
۲۰۰۵	۸/۰۳	۲۱۵/۹۳	۴/۱۴	۰/۱۳	۱۲۵/۴۵	۸۳/۹۱	۵۷/۷۰	۰/۸۸
۲۰۰۶	۸/۴۲	۲۷۳/۱۳	۴/۸۸	۰/۴۰	۱۲۹/۲۴	۹۳/۳۵	۶۳/۴۹	۱/۲۸
۲۰۰۷	۹/۰۸	۳۰۲/۷۷	۶/۰۰	-	۱۱۷/۸۶	۱۰۱/۰۳	۶۵/۲۲	۱/۶۴
۲۰۰۸	۱۰/۲۹	۳۴۰/۱۲	۷/۷۴	-	۱۱۹/۹۱	۱۰۰/۹۱	۴۲/۹۷	۱/۶۸
۲۰۰۹	۷/۹۰	۳۰۹/۶۰	۱۰/۷۳	-	۹۵/۱۶	۹۲/۸۶	۵۰/۱۹۷	۱/۳۶
۲۰۱۰	۸/۱۲	۴۰۶/۰۹	۱۰/۰۹	۰/۵۸	۱۲۲/۰۵	-	۵۹/۲۳	۱/۷۱

World Bank , World Data Bank , World Development Indication , JULY 2012 , <http://data.worldbank.org/indicator> مأخذ: بانک جهانی

این مهم حاصل تمرکز این کشورها بر تولید **خردمندان**ه بوده و به تبع آن، ارتقاء جامعه به سمت **جامعه دانش بنیان** با توجه کامل به **تحقیق و توسعه** صورت گرفته است. نگاهی به این روند در کره می تواند عبرت آموز باشد.

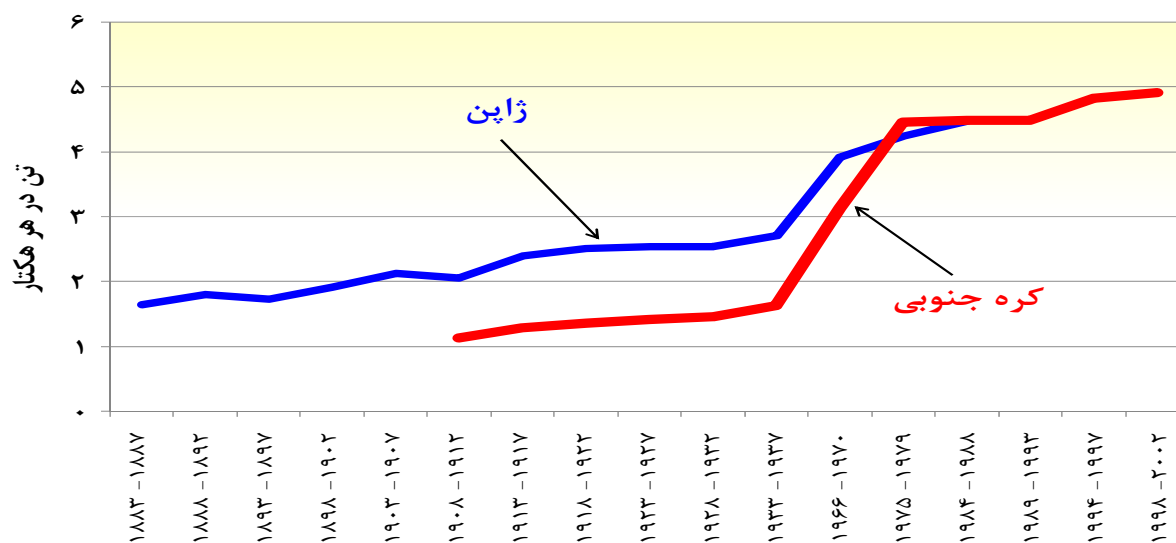
تحول منابع تخصیص یافته برای تحقیق و توسعه (R&D) و سهم آن از تولید ناخالص داخلی (GDP)

در کشور کره جنوبی طی سالهای ۲۰۰۸ - ۱۹۷۰



و در پناه گسترش فن آوری و تحقیق و توسعه، مشاهده می شود که کارکرد کشور کره علیرغم دارا بودن سطح قلیل زمینهای قابل کشت آبی خود، حتی در بخش کشاورزی و وفق آمارهای جهانی، ارزش صادرات آنها از کشورمان بیشتر بوده و از آنچه در دسترس دارند بهره‌وری بیشتری را حاصل می‌نمایند. نمودار عملکرد تولید برنج خود نشان‌دهنده این تلاش مستمر است.

تحول عملکرد در هر هکتار تولید برنج در کشورهای منتخب

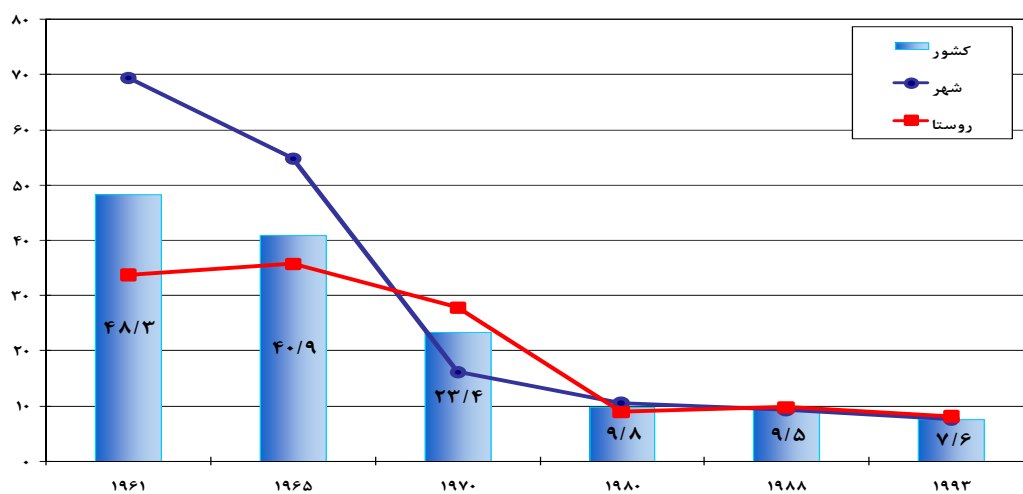


JOON-KYUNG KIM , Korean Economic Development In Historic Perspective , KDI School Of Public Policy And Management , 01.07.2009

ماخذ:

و با به کارگیری تدبیر و تعامل جمعی ، قادر به کاهش قابل توجه فقر در جامعه خود می گردند.

تحول کاهش فقر در کره جنوبی بین سالهای ۱۹۶۱-۱۹۹۳



JOON-KYUNG KIM , Korean Economic Development In Historic Perspective , KDI School Of Public Policy And Management , 01.07.2009

ماخذ:



## و گفتار آخر

هیچ مدینه فاضله‌ای را از منظر اقتصادی، نمی‌توان در جهان یافت که بتواند الگوی مطلق کشورها قرار گیرد. اکنون که کشورمان با تهاجم‌های اقتصادی مواجه گردیده، نباید فراموش نمود که "حتی در همان تهدیدهایی که مستقیماً از طرف دشمن هست، اگر ما ضربه خوردیم، تقصیر خود ماست، کوتاهی‌های خود ماست."<sup>(۸)</sup> لذا دوران هزینه‌های تحمیلی، فراگیری و کسب تجربه‌تکراری که **خطا بودن** آنها محرز گردیده و ادامه قفل‌شدگی به مسیرهای تاریخی پیموده شده را، باید کنار گذاشت. "یعنی زمان آزمون و خطا را سپری شده بدانیم، در این سی سال، در موارد زیادی کارمان عبارت بود از آزمون و خطا. دیگر صلاح نیست ما این جور عمل کنیم"<sup>(۹)</sup>.

ذکر نمونه و مصداق کره جنوبی و سایر کشورهای شرق آسیا نیز، به معنی کعبه آمال بودن آنها نه می‌تواند و نه باید تلقی گردد. آن جوامع نیز دارای مشکلات مخصوص به خود خواهند بود، لیکن سطح مشکلات متفاوت از کشورهای توسعه نیافته می‌باشد. ملت کره با اتکاء به **تولید خردمندانه** و ساختار اجتماعی مبتنی بر آن، قادر به **کاهش سطح شدید فقر**، که عامل مهم عقب‌ماندگی است شده اند. (نمودار مندرج در صفحه ۹ این گزارش).

**کاهش فقر** پیش زمینه حیاتی تامین عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی صرفاً با گویش‌های تکراری **آمالها، رویاها و خواسته‌های پایان ناپذیر آرمانی** حاصل نمی‌شود. تجربه کره، با اتکاء **هوشمندانه** بر **تعامل حاکمیت و نخبگان در تصمیم‌سازی‌ها** و برخلاف آنچه برخی برای کم اثر نشان دادن تلاشهای طاقت‌فرسای آن ملت بکار می‌گیرند، مبنی بر اینکه **تبعیت تام و تمام** از غرب داشته، که وجهی از وجوه ابطالی آنرا در صفحه‌های ۳۲ و ۳۳ گزارش **شماره ۲**، در خصوص ایجاد واحد تولید فولاد مشاهده می‌فرمایید، نشان از **پختگی** و دخالت دادن نخبگان برای **پرهیز از تبعیت کورکورانه** و نحوه عمل، ضمن تعامل سازنده با جهان، در برابر **خواسته‌های یکسویه کشورهای پیشرفته** می‌باشد. نحوه عملی که **حاصل تجمیع عمیق خرده دانش‌ها و فهم کامل** از وضعیت بوده و میتواند جامعه را به سمت عدالت اجتماعی رهنمون نماید. علی (علیه السلام) نیز می‌فرماید:

" و **عدالت** بر چهار شعبه است. **فهم کامل** و همه جانبه، **دانش عمیق**، **داوری نیکو**، و **بردباری ریشه دار**"<sup>(۱۰)</sup>.

با اندکی تعمق در رویه‌ای که کشور کره اتخاذ نمود، کاربرد عملی هر **چهار** عامل را میتوان مشاهده نمود. امید است که با در پیش گرفتن چهار نکته حیاتی فوق و با اتخاذ رویه ای مبتنی بر عقلانیت، بتوان بر مشکلات کشور عزیزمان فائق آمد. **چنین باد.**

(۸) مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۵/۱۶

(۹) مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۲/۲۷

(۱۰) نهج البلاغه پارسسی، سید جمال الدین دین پرور، نشر بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۷۹، صفحه ۵۰۶



کمیسیون اقتصاد کلان به سهم خود، در راستای در معرض آگاهی قراردادن تجارب سایر کشورها، برای حصول به شناخت موانع توسعه کشورمان و امکان‌پذیر نمودن جهت‌گیری به سوی راه‌حلهای، تصمیم به انتشارات مقالات و گزارشهای مرتبط و مصداقی گرفته‌است.

مقاله حاضر توسط دکتر Yoon Heo، دانش‌آموخته اقتصاد از دانشگاه جورج واشنگتن آمریکا و رئیس انستیتو مطالعات بین‌المللی و ناحیه‌ای دانشگاه Sogang کره جنوبی، به رشته تحریر درآمده‌است. درخصوص دلایل توسعه کم نظیر در شرق آسیا (که گاهی معجزه آسا نامیده می‌شود) و تحلیل دلایل فائق آمدن بر توسعه نیافتگی در برخی از آنها، کتابها و مقالات بسیار و ارزشمندی منتشر گردیده. ارزش این مقاله، در موجز بودن بررسی دیدگاه‌ها و برداشت سهل از مفاد آن، برای خوانندگان محترم بوده و امید است در تصمیم‌سازی‌ها مفید باشد. این گزارش شماره ۱، از سلسله گزارشهای مشابه خواهد بود و کمیسیون اقتصاد کلان امید دارد که محتوی این گزارشها در راستای منافع ملی کشورمان کمک کننده گردد.

کمیسیون وظیفه دارد سپاس فراوان خود را، به دلیل پذیرش درخواست ترجمه سلیس متن اصلی، توسط آقای دکتر جعفر خیرخواهان و بازبینی و ارائه نقطه نظرات مفید توسط آقای دکتر محمد مالجو، ابراز دارد. همچنین از تلاشهای کارشناسان اقتصادی کمیسیون سرکار خانم اکرم زین‌البیان و آقای محمد هاشم صفار و همچنین سرکار خانمها شیلا شبستریان، مرجان بهرامی، لیلا مرتضوی و آقایان بهزاد عباسی و حسین خسروچردی در تهیه متون، بازخوانی‌ها و نمودارها تشکر و قدردانی نماید. لازم میدانیم از تلاشهای سرکار خانم نصیبه خیری، کارشناس اقتصاد و دبیر کمیسیون اقتصاد کلان، برای هماهنگی‌ها و تلاشهای مبذول شده ایشان نیز تشکر نمائیم. کمیسیون اقتصاد کلان اتاق ایران از همه مطالعه کنندگان ارجمنند این گزارشها، صمیمانه درخواست می‌نماید که در جهت ارتقاء و تعالی اهداف والا برای توسعه و حفظ منافع ملی کشور عزیزمان، از هرگونه ارشاد و انتقاد دریغ نفرمایند.

**با آرزوی سربلندی روز افزون ایران**

**کمیسیون اقتصاد کلان**

**اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران**

# بازبینی راهبرد توسعه در کره جنوبی :

## دیدگاه مداخله‌گرایانه\*

نویسنده : Yoon Heo (Ph.D)

ترجمه : دکتر جعفر خیرخواهان

### چکیده:

این مقاله، مبحث مناقشه‌انگیز راهبرد توسعه در کره جنوبی را بازبینی می‌کند. دو دیدگاه متضاد درباره تجربه توسعه کره معرفی می‌شود. پرسش‌های کلیدی که به بحث می‌گذاریم عبارتند از:

- کدام دیدگاه، قدرت توضیح‌دهندگی بیشتری دارد؟

- اگر دولت نقش محوری در توسعه کره ایفاء کرده است، ویژگی‌های اساسی این نقش دقیقاً چه بوده است؟

این مقاله برداشت مداخله‌گرایانه مبنی بر این که توسعه اقتصادی موفق کره، عمدتاً ریشه در **نقش متهورانه دولت** داشته است را **تأیید می‌کند**. خط مشی کره بنا بر ملاحظات راهبردی از **حیث سوگیری** تغییر کرده است **نه از حیث درجه**. منابع اصلی عملکرد اقتصادی درخشان کره در مراحل آغازین توسعه، عبارتند بودند از: « **جابجایی اهداف** » و « **ارتقای دائمی** » که **دولت با دقت پیگیریشان** کرد.

---

\* Heo, Yoon (2001) "Development strategy in Korea reexamined: an interventionist perspective", *Social Science Journal*, Vol. 38, PP. 217-231, Elsevier Science Inc.

## ۱- مقدمه

هنگام تفسیر منابع اصلی توسعه اقتصادی موفق کره، دوخط فکری وجود دارد. یکی بر **ماهیت بازارمدار** رژیم اقتصادی این کشور تأکید دارد، در حالی که دیگری بر **نقش دولت در فرایند توسعه** کره تمرکز می‌کند.<sup>(۱)</sup>

اقتصاددانان نئوکلاسیک ناب تأکید می‌ورزند که نه دولت، بلکه بازار صحنه‌گردان اصلی در توسعه اقتصادی کره بود. از نظر آنها دولت، فقط نقش کمرنگی ایفاء کرده است. این حامیان بازارآزاد نسبت به این ادعا که صرفنظر از سطح توسعه، دولت می‌تواند به نحوی از انحاء کارا تر از بازار باشد، بدبین هستند. آنها دولت کوچک را نسبت به دولت بزرگ تبلیغ کرده و پیروزی بازار بر دولت را شاهد می‌گیرند. فرض بر این که اگر دولت، از موضوعاتی که ضرورتی به ورود به آنها نیست، خود را کنار بکشد کارها بهتر انجام می‌شود.

در این دیدگاه، که بانک جهانی (۱۹۹۳) نیز پیشنهاد می‌داد، توسعه موفق کره در اثر چندین عامل کلیدی بوده است از قبیل: **تخصیص کارای نهاده‌ها** بر اساس مزیت نسبی ایستا، **طرح سیاست‌گذاری مشوق‌های بی‌طرفانه\***، **رقابت بین‌المللی، بازارهای نسبتاً رقابتی عوامل تولید، محیط باثبات اقتصاد کلان، اختلال کم در قیمت‌های نسبی، و سرمایه‌گذاری هنگفت در آموزش و سلامت.** از آنجا که رشد پایدار صادرات تنها زمانی ممکن است که کشور در تولید محصولات با هزینه فرصت پایین‌تر در بازار بین‌المللی **تخصص** یابد، پیشبرد صادرات میتواند کارایی تخصیصی را به حداکثر برساند (بالاسا، ۱۹۸۲؛ وولف، ۱۹۸۸).

در حوزه تجربی موضوع، این نوع استدلال لیبرالی، مطالعات بسیاری را برانگیخت که می‌کوشیدند نقش کاهش یابنده شده دولت را به موفقیت اقتصادی ربط دهند. برای مثال، بسیاری از اقتصاددانان معتقدند عملکرد عالی اقتصاد کره در اواخر دهه ۱۹۶۰، عمدتاً در اثر فشارهای رقابتی بود که به واسطه آزادسازی تجاری و قیمت‌های سرمایه واقعی شده ناشی از منطقی‌سازی نرخ بهره ایجاد شد. آنها همچنین در سطحی گسترده این نظر را می‌پذیرند که تحرک‌بخشی صنایع سنگین و شیمیایی\*\* (HCI) در کره، طی دهه ۱۹۷۰، یک مثال خوب از تخصیص به شدت غیربهبینه منابع توسط دولت بود. رژیم سیاست‌گذاری لیبرالی‌تر کره، طی دهه ۱۹۸۰ نیز، با عملکرد اقتصادی بهتر، به همان دوره مرتبط می‌شد.

\*\* Heavy and Chemical Industries



خط فکری دیگر، وزن و اهمیت بیشتری برای نقش‌آفرینی دولت قائل است (آمسدن، ۱۹۸۹؛ وید، ۱۹۹۰؛ لوده - نویراس، ۱۹۸۰؛ پورتر، ۱۹۸۶؛ جونز و ساکونگ، ۱۹۹۰). بر طبق این نظر، **توسعه اقتصادی سریع کره**، به واقع معنای واقعی کلمه، «**تحت فشار دولت**» محقق شده است.

طی مراحل اولیه توسعه اقتصادی، به قلمرو مداخله دولت **به تخصیص صلاح‌دید اعتبار مالی، ملی کردن صنایع راهبردی**، و تاکتیک‌های **انتخاب صنایع برنده** گسترش یافته بود. این طرفداران مداخله دولت، معتقدند گسترش صادرات کره عمدتاً به این دلیل با سرعتی غیرعادی ممکن شد که دولت، از طریق یک سری برنامه‌های اقتصادی پنج ساله، **بخش‌های معینی** را با ارائه مشوق‌های صادراتی مالی و بودجه‌ای و موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای بر واردات، تغذیه کرد تا به صنایع صادراتی تبدیل شوند. سیاست‌هایی که در کره اجرا شد، از سیاست‌هایی که در سایر اقتصادهای در حال توسعه به کار بسته شد، کارا تر بود (توماس و وانگ، ۱۹۹۶). آمسدن (۱۹۸۹) دریافت که کره با بیشتر کشورهای در حال توسعه - از حیث **انضباطی** که دولت بر بنگاه‌های خصوصی اعمال می‌کرد - **تفاوت** داشت. او نشان داد چگونه دولت مکرراً در **نقش کار آفرین به معنای شومپتیری** عمل کرد. وید (۱۹۹۰) استدلال مشابهی در مورد تایوان به دست داد.

دولت کره حقیقتاً شبیه یک کارآفرین عمل کرده است که سرمایه‌گذاری‌های مطلوب بخش خصوصی را به **بخش‌های هدفگذاری شده** ترغیب و تشویق کند. دولت به **شکل مصنوعی رانتهایی خلق می‌کرد** تا سودهای کارآفرینانه‌ای را **تضمین کند** که سازوکار بازار، **توان ارائه** نداشت. همان‌طور که چانگ (۱۹۹۳، ص ۱۴۵) به درستی اشاره کرد، «دولت به مثابه تضمین‌کننده نهایی حقوق مالکیت، باید برخی "قید و بندهای تجارت" خلق می‌کرد و به **آنها رانت می‌داد** که در حال **توسعه صنایع جدید** بودند (یا حتی خود، راساً آن صنایع را ایجاد میکرد)». در مباحث تئوریک، استدلال صنایع نوزاد در حکم توجیه دخالت دولت نقل شده است. دولت نه تنها با **تصحیح نارسایی‌های بازار**، بلکه همچنین با راهبردی **حساب‌شده قیمت‌های اشتباه**، بازار را **هدایت** می‌کرد. **نبود اطلاعات، بازار اعتبار ناقص، صرفه‌های مقیاس**، برون‌ریزها، نبود بازارهای ریسک، و مسائل **هماهنگی**، از علل مرسوم نارسایی‌های بازار بودند و به ویژه **در مراحل اولیه توسعه**، رواج داشتند (بانک جهانی ۱۹۹۳). بدون دولتی که «**بازار را رهبری کند**»، نیل به توسعه صنعتی سریع و رشد اقتصادی شتابان، به راحتی دست‌یافتنی نبود. (۲)



پیش از تحلیل مفصل تر درباره این موضوع، مفید است واژگان کلیدی - که معمولا در بحث استفاده می شود - یعنی « **سیاست گذاری صنعتی**»، « **هدفگذاری صنعتی**» و « **مشوق های صادراتی**» را تعریف کنیم.

## ۲- تعاریف

**سیاست صنعتی** با تحریک طرف **عرضه فعالیت صنعتی**، به رشد اقتصادی موفقیت آمیز معطوف می شود. اهداف این سیاست عبارتند از:

(۱) تقویت **رقابت پذیری** بین المللی

(۲) **نوسازی ساختار صنعتی**

(۳) دستیابی به **مزیت های نسبی پویا** از طریق **کمک به رشد سریع صنایع بالقوه**

(۴) **تصحیح نارسایی بازار**

این سیاست به شکل تخصیص منابع، توسط دولت درمی آید. همان طور که از مقاله فرانکو، اگورن و بوکمان (۱۹۸۸) تعریف خواهیم کرد، این سیاست، ماهیتی **درازمدت، پویا و ساختاری** دارد. در رابطه با زمان بندی این سیاست، تاکید بیشتری در دوره های کمتر توسعه یافته و یا کمتر رقابتی شده است. آلمان سده نوزدهم، ژاپن پس از جنگ جهانی دوم، و به تازگی کشورهای در حال توسعه مثل کره و تایوان نمونه های خوبی هستند.

با وجود این، سیاست صنعتی، اصطلاحی گسترده و انعطاف پذیر با تعریف مبهم است. فرانکو و همکاران (۱۹۸۸) سیاست صنعتی را چنین تعریف کردند « **مجموع تلاش های ملت برای هدایت و شکل دهی به فعالیت های تجاری، جهت تقویت رشد اقتصادی. بنابراین، دغدغه های آن به انسجام ساختاری دراز مدت و رشد پایه های صنعتی کشور مربوط می شود.**»

محتوای اصلی سیاست صنعتی را می توان به سه دسته تقسیم بندی کرد: « **هدف گذاری صنعتی**»، « **ارتقای ساختار صنعتی**» و « **سیاست سازمان صنعتی**». هدفگذاری صنعتی به معنای توجه به صنایع **منتخب** است که **توان رقابتی** بین المللی آتی دارند.



کمیسیون تجارت بین‌الملل ایالات متحده (۱۹۸۵) هدفگذاری صنعتی را چنین تعریف می‌کند: «اقدامات هماهنگ دولت برای **هدایت منابع مولد**، با کمک به تولیدکنندگان داخلی، در **صنایع منتخب** تا رقابتی‌تر شوند.» سه عنصر اصلی در این تعریف عبارتند از:

(۱) اقدام **هماهنگ** دولت

(۲) **جهت‌گیری** منابع مولد

(۳) هدفگذاری فقط **صنایع منتخب**، با هدف فراهم ساختن مزیت نسبی برای تولیدکنندگان داخلی.

بر اساس قلمرو این هدف، آدامز و بولینو (۱۹۸۳) اقدامات سیاست‌گذاری صنعتی را به چهار دسته تقسیم کردند:

(۱) **سیاست صنعتی عام**. سیاست صنعتی عام در شرایط مساوی برای همه صنایع اقتصاد به کار می‌رود. اینها شامل سیاست‌های کلی با هدف بهبود سازوکار تخصیص منابع یا تشویق به سرمایه‌گذاری یا تحقیق و توسعه هستند.

(۲) **سیاست صنعتی خاص یک بخش**. این سیاست‌ها به سمت بخش‌های خاص اقتصاد هدایت می‌شوند؛ برای مثال تولیدات کارخانه‌ای به طور کلی در برابر بخش کشاورزی. سیاست‌های توسعه صنایع صادراتی و جانشینی واردات را نیز می‌توان در این گروه شامل کرد.

(۳) **سیاست صنعتی خاص یک صنعت**. سیاست‌های صنعتی اغلب به سمت صنایع خاص هدایت می‌شوند که به طور گسترده یا محدود، تعریف می‌شوند. برای مثال، هدف دولت چه بسا، توسعه صنعت فولاد به طور کلی یا که قصد یاری‌رسانی به بخش تولید فولاد کربنی با تنش بالا در صنعت فولاد داشته باشد.

(۴) **سیاست صنعتی خاص یک بنگاه**. سیاست‌های صنعتی که برای یاری‌رسانی به بنگاه‌ها (یا پروژه‌های) خاص طراحی شده‌اند. هدایت کمک دولت به سمت بنگاه‌های خاصی که در فرایند توسعه محصولات یا فناوری خاص هستند در این مقوله جای می‌گیرد.

ارتقای ساختار صنعتی شامل نوسازی ساختار صنعتی با **ملاحظه اثرات پیوندهای پیشین و پسین** است. سیاست سازمان‌دهی صنعتی، شامل پیشبرد رقابت‌پذیری اثربخش در بازارهای انحصاری است. هدفگذاری صنعتی



می‌تواند بخشی از مسیر ارتقاءیابی ساختار صنعتی باشد. در اقتصادهای توسعه‌یافته، سیاست سازمان صنعتی کانون توجه اصلی سیاست صنعتی است، در حالی که در کشورهای در حال توسعه هدفگذاری و ارتقاء حیاتی هستند. دولت‌های اقتصادهای کمتر توسعه یافته، سخت کوشیده‌اند تا سیاست‌های ویژه‌ای را اقتباس کنند که صنعتی‌شدن را شتاب دهد. بنابراین، هدف سیاست صنعتی در کشورهای کمتر توسعه یافته **فراتر** از تصحیح ساده نارسایی بازار است. پیش‌فرض این است که حتی در غیاب نارسایی بازار، یک اقتصاد کمتر توسعه یافته نیاز شدیدی به **دخالت متهورانه دولت دارد** تا رشد صنعتی و دگرگونی ساختاری را سرعت بخشد.

ابزارهای سیاست صنعتی عبارتند از:

- (۱) **مشوق‌های مالی** از قبیل وام‌های بیمه‌شده، معافیت مالیاتی و تعرفه‌ای و یارانه‌های تولیدی
- (۲) **کنترل‌های غیرمالی** از قبیل مجوزدهی، سهمیه‌ها، موانع ورود و تشکیل کارتل‌های ارشادی
- (۳) **مقررات گوناگون** بر استانداردهای تولید، استانداردهای تاسیسات، و معیارهای محیط‌زیستی
- (۴) **تدارک اطلاعات مفید** از سوی دولت برای تسهیل عملیات فرامرزی، تحویل کمک فنی، و مبادرت به پروژه‌های مشترک تحقیق و توسعه.

در کره، رشد اقتصادی بر محور صادرات، زمینه اصلی توسعه اقتصادی بوده است. هدف دولت کره توسعه آن دسته از صنایعی بود که پتانسیل صادراتی دراز مدت دارند. به عبارت دیگر، هدفگذاری صنعتی بر بخش صادرات در بستر **مزیت نسبی پویا** متمرکز شده بود. بنابراین، همه ابزارهای سیاست‌گذاری صنعتی (مشوق‌های مالی، غیرمالی و اطلاعاتی) به سمت افزایش حجم صادرات هدایت می‌شد. وقتی ابزارهای سیاست صنعتی به سمت بخش صادراتی هدایت شود، آنها اصطلاحاً «مشوق‌های صادراتی» می‌شوند. اسمیت (۱۹۹۱) فهرست کاملی از مشوق‌های صادراتی در کره را مطرح کرد<sup>(۳)</sup>. او استدلال کرد «قلمرو و نفوذ نوزده نوع دخالتی که در اینجا فهرست شده است، باید به این **افسانه** که کره موفق شد، **چون اجازه داد بازار آزاد کار کند، پایان دهد** (اسمیت، ۱۹۹۱، ص ۱۵)».

### ۳- مناقشه اصلاح سیاست دهه ۱۹۶۰

تاریخ سیاست صنعتی کره را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد:

(۱) **مرحله جهش** بین ۱۹۶۲ و ۱۹۷۳

(۲) **مرحله پیشبرد صنایع سنگین و شیمیایی** بین ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹

(۳) **مرحله آزادسازی** از ۱۹۷۹ به بعد (بانک جهانی، ۱۹۸۷).

مرحله صنعتی شدن اولیه (۱۹۶۲ تا ۱۹۷۳) از دو راهبرد تکمیلی **جانشینی واردات** کالاهای مصرفی بی‌دوام و مواد واسطه‌ای (۱۹۶۲ تا ۱۹۶۶) و **پیشبرد صادرات** کالاهای کاربر (۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳) تشکیل می‌شد<sup>(۴)</sup>. سیاست صنعتی در این مرحله همان اندازه بر مدار پیشبرد صادرات بود که بر مدار جایگزینی واردات محور نیز بود<sup>(۵)</sup>.

این مرحله همچنین نخستین و دومین برنامه توسعه اقتصادی پنج ساله (۱۹۶۲ تا ۱۹۷۱) را در برمی‌گیرد. برای بسیاری از اقتصاددانان، اتخاذ راهبرد صنایع کاربر توسط دولت کره، در این مرحله به نظر طبیعی و نئوکلاسیکی بود، چون که مزیت نسبی ایستای کره را دنبال می‌کرد. همچنین انتظار می‌رفت که اشتغال کامل و فشار به سمت بالا بر دستمزدها وارد کند که در نتیجه باعث بازتوزیع درآمد می‌شود (رانیس، ۱۹۷۸). اقتصاددانان نئوکلاسیک در تلاش برای یافتن منابع رشد اقتصادی موفق کره، از لحاظ گرایش تجاری آن، استدلال کردند که کره یک رژیم تجارت آزاد بود (بالاسا، ۱۹۸۲؛ رانیس، ۱۹۷۸؛ وستفال و کیم، ۱۹۷۷).

شواهدی که غالباً مَحْمَل ارجاع بود، یک سری اصلاحات سیاستگذاری در کره در حدود ۱۹۶۵ بود. بر اساس نظر آنها، سیاست‌های آزادسازی تجاری که دولت کره در آن زمان اتخاذ کرد، عملکرد اقتصاد را به نحو محسوسی بهبود بخشید. وستفال و کیم (۱۹۷۷) پس از بررسی کلی ۳۷۴ کالا در کره، نتیجه گرفتند که کره در ۱۹۶۸ «رژیم تجارت آزاد» را به کار انداخت. آنها ۲۴۴ قلم کالا از بین کل نمونه ۳۷۴ کالایی را در ردیف کالاهای رقیب غیروارداتی طبقه‌بندی کردند (یعنی کالاهایی که میزان تعرفه به کار رفته در مورد آنها جلوی ورودشان را می‌گیرد). اما، لئو-نوراث (۱۹۸۶) علیه این تفسیر نئوکلاسیکی از اقتصاد کره استدلالی کرد. او از وستفال و کیم انتقاد کرد که شواهدشان واقعا این واقعیت را بر ملا می‌ساخت که **واردات کره شدیداً توسط دولت محدود شده بود**. لئو-نوراث (۱۹۸۶) ۵۱ قلم دیگر را افزود که به عنوان کالاهای «صادراتی» طبقه‌بندی شده بودند و نتیجه

گرفت ۷۸/۹ درصد از نمونه وستفال و کیم، مشمول تعرفه‌های ممانعتی\* بود. او همچنین توصیف مفصل و جامعی از سیاست‌های حمایت‌گرایانه در کره ارائه داد.

وستفال (۱۹۹۰) از رویکرد لئو-نورث انتقاد و ادعا کرد که رویکرد آنها اغراق‌آمیز و گمراه‌کننده بوده است. وستفال به این واقعیت توجه داد که واردات در کره، تقریباً با همان سرعت صادرات رشد کرده است و دلالت بر این دارد که راهبرد توسعه‌ی صادرات محور کره، متضمن باز بودن بی‌اندازه اقتصاد به روی واردات کالاهای سرمایه‌ای، مواد خام و نهاده‌های واسطه‌ای بود.

اگر تفسیر نئوکلاسیک از رشد سریع اقتصاد کره، به عنوان رژیم تجارت آزاد معتبر باشد، آن تفسیر همچنین باید بتواند به این پرسش پاسخ دهد که چرا این تجربه را سایر کشورهای در حال توسعه که مایل به برون‌گرایی بودند، تقلید و تکرار نکرده‌اند. اگر چه ما این استدلال را کاملاً می‌پذیریم که پیشبرد موفق صادرات عمدتاً مسئول دگرگونی کره از **اقتصادی فقیر به اقتصادی با درآمد متوسط** بوده است، اما هنوز نمی‌توانیم پاسخ دهیم چرا و چگونه کره با موفقیت صادرات کرد، در حالی که دیگران نتوانستند (پارک، ۱۹۹۱).

بورچ (۱۹۸۷) ذکر کرد که توسعه موفقیت‌آمیز ارتباط اندکی با «ویژگی بازار محور» کشورهای مربوطه داشته است. او اشاره کرد که استقرار پیشین نظام برابر طلب تر، توسط اصلاحات ارضی دوره پس از جنگ کره، در کنار شرایط مطلوب اما، موقت در اقتصاد بین‌الملل در مرحله جهش از عوامل یگانه و ضروری در رشد سریع اقتصاد کره بوده است. این درست است که جهش صادرات کره با گسترش عمومی تجارت جهانی تسهیل شده بود، با این حال، هیچ پاسخ روشنی نمی‌توان در بورچ (۱۹۸۷) پیدا کرد که چرا این شرایط بین‌المللی به نفع تنها یک گروه از کشورها بود. به علاوه، اگر شرایط برابری طلبانه، یک پیش‌شرط الزامی برای جهش موفقیت‌آمیز باشد، چگونه می‌توان بی‌ربط بودن راهبردهای سوسیالیستی توسعه را در نظر گرفت؟ همچنین تاکید بر اینکه منابع طبیعی اندک، کمک خارجی گسترده و میراث کنفوسیوسی در مرحله اولیه، به جهش اقتصاد کره کمک کرد، پرسش‌های بیشتری مطرح می‌کند تا این که بخواهد پاسخ دهد (لیم، ۱۹۹۴).

تجربه کره طی سه دهه گذشته، نشان دهنده موضوعیت رویکرد مداخله‌گرایانه است (جونز و ساکونگ، ۱۹۸۰؛ جونز، ۱۹۹۰؛ واد، ۱۹۹۰؛ پورتر، ۱۹۹۰؛ آمسدن، ۱۹۸۹؛ پارک، ۱۹۹۱). در **مرحله جهش اقتصاد**، کره «**ظاهر**» شبهه **رژیم تجارت آزاد** به نظر می‌رسید. این درک نادرست تا حدی از این واقعیت ناشی شد که تخصص‌گرایی

\* Prohibitive Tariffs



اقتصاد کره در بازار بین‌المللی چنان به نظر می‌رسید که گویی از مزیت نسبی اش پیروی می‌کرد. در این مرحله، هدف اولیه تقریباً همه سیاست‌های اقتصادی در کره، پیشبرد صادرات هر محصولی بود که معلوم می‌شد کاربر است. اگر چه این پرسش که آیا افزایش صادرات کالاهای کاربر در مرحله جهش را، «شرط موهبت عامل خالص» در کره سبب شد، یا تعمد راهبردی دولت کره بوده، در نهایت پرسشی تجربی است که باید پاسخی یابد، اما شواهد فراوانی هست که نشان می‌دهد، چگونه دولت، **انواع طرح‌های تشویقی** برای گسترش صادرات ارائه کرد.

از ابتدای دهه ۱۹۶۰، دامنه گسترده‌ای از انگیزه‌های صادراتی توسط دولت معرفی شده است. **مهمترین ابزار** اجرای اهداف دولت «**وام‌های سیاستگذاری شده**»\* (کیم، ۱۹۹۰؛ بانک جهانی، ۱۹۹۳-۱۹۸۷؛ بالاسا، ۱۹۹۰؛ چوی و کوواک، ۱۹۹۰؛ چو، ۱۹۹۳؛ چانگ، ۱۹۹۱؛ پارک، ۱۹۹۰) بود، که ۵۸ درصد از **کل وام‌های بانکی** بین ۱۹۶۲ و ۱۹۸۷ به حساب می‌آید. دولت، نسبت «**وام‌های سیاستگذاری شده**» به «**کل وام‌ها**» را، طی دوره ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۵ به استثنای سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ کاملاً بالای **۶۰ درصد** نگه داشت (لی و سایرین، ۱۹۸۷)<sup>(۶)</sup>. همانند بسیاری از سایر کشورهای در حال توسعه، **تخصیص اعتبار** در کره **تحت کنترل سفت و سخت دولت** بود. سهم زیادی از منابع مالی به سمت **بخش‌های مطلوب نظر دولت** هدایت می‌شد. با ملاحظه این واقعیت که میانگین نسبت ارزش ویژه (سرمایه) بنگاه‌های کره‌ای به کل دارایی‌ها، تنها ۲۲/۲ درصد در ۱۹۸۶ بود، دسترسی به منابع مالی بیرونی برای بنگاه‌ها بسیار حیاتی بود. چنین نسبتی از بنگاه‌های آمریکایی (۴۷ درصد)، بنگاه‌های تایوانی (۴۶/۸ درصد) و بنگاه‌های ژاپنی (۲۸/۳ درصد) بسیار کمتر بود (چانگ، ۱۹۹۳). چندین قانون پیشبرد صادرات نیز در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به تصویب رسید که **بخش‌های منتخبی** را راه‌اندازی و پشتیبانی می‌کرد:

- ماشین‌آلات و کشتی‌سازی (۱۹۶۷)

- الکترونیک (۱۹۶۹)

- آهن و فولاد (۱۹۷۰)

- پتروشیمی (۱۹۷۰)

\* Policy Loans

وامهائی که با نرخ بهره ارزان پرداخت می‌شد.

تعدادی از صندوق‌های اعتباری تخصصی بوسیله این قوانین تاسیس شد تا وام‌های سیاستگذاری شده را، به صنایع مُرَجَح تحویل دهد. مشوق‌هایی از قبیل ذخیره استهلاک و ضایعات، نرخ بهره‌برداری ویژه و کاهش مالیات مستقیم در فهرست یارانه‌های صادراتی نیز گنجانده شد، اگرچه آنها بخش‌های اصلی از یارانه‌ها نبودند. معافیت‌های تعرفه‌ای نیز به عنوان بخشی از طرح معرفی گردید.

استدلال حامیان بازار آزاد، مبنی بر این که نظام تشویقی طی این دوره **بی‌طرفانه** باقی مانده بود با **واقعیت** سازگار نیست. در عوض، شواهد با چارچوب مفهومی «مسیر توسعه» در پورتر (۱۹۹۰) سازگار است. نخستین مرحله توسعه در کره با «مرحله محرک عوامل اساسی» در استدلال پورتر همخوانی دارد (پورتر، ۱۹۹۰). در این مرحله، نیروی کار ماهر و نیمه ماهر در دسترس‌ترین منبع مزیت نسبی بود.

اگر منافع کارایی تجارت آزاد یک منبع مهم رشد اقتصادی است (کروگر، ۱۹۸۰)، این منافع باید، مادامی که کشور در کالاهایی که مزیت نسبی دارد و **تخصص** پیدا می‌کند، حفظ شود. اما در عمل، مزیت نسبی یک ملت ماهیت راهبردی داشته و حالتی **پویا** دارد. این مرحله که در ۱۹۶۳ آغاز شد، میانگین نرخ رشد اقتصادی کره برای بقیه دهه، را به ۹/۸ درصد رساند. اما این وضعیت برای دولت کره تا حدی نومیذکننده به نظر می‌رسید: نخست این که، چین، هند و کشورهای جنوب شرق آسیا به سرعت صادرات غیرسننتی را گسترش دادند. این گونه به نظر می‌رسید که کره به زودی بازارهای صادراتی محصولات کاربر خود را از دست خواهد داد. دوم این که در ابتدای دهه ۱۹۷۰، **حمایت‌گرایی** در کشورهای صنعتی **رو به افزایش گذاشت** و عمدتاً به سمت محصولات ساخته‌شده کاربر از کشورهای در حال توسعه نشانه می‌رفت. سوم، تراز پرداخت‌ها طی مرحله اول بدتر شده بود چون که وابستگی صادرات به واردات طی همان دوره در حال افزایش بود. وابستگی اقتصاد کره به واردات بسیار زیاد بود، **چون صنایع سنگین و شیمیایی داخلی هنوز توسعه نیافته بودند**. سرانجام، نسبت ارزش ویژه بنگاه‌ها به کل دارایی‌ها، حدود ۵۰ درصد در میانه دهه ۱۹۶۰ ایستاد و در ابتدای دهه ۱۹۷۰ به ۲۰ درصد کاهش یافت. **دولت نمی‌توانست انتظار** هر سرمایه‌گذاری **دراز مدت بزرگ مقیاس از این بنگاه‌های ناسالم مالی** را داشته باشد. تحت این شرایط، چسبیدن به مزیت نسبی ایستا، «**دام محرک عامل اساسی**»\* را به سیاستگذاران کره‌ای تشکیل می‌داد. آنها سیاست تحرک بخشی HCl (صنایع سنگین و شیمیایی) را برگزیدند که تا حدی برای

\* Basic Factor Driven Trap



شتاب‌دهی به تغییرات ساختاری در مزیت نسبی اقتصاد کره طراحی شد. از آنجا که **گذار اقتصاد** از یک مرحله به مرحله دیگر به صورت خودکار **در یک دوره کوتاه زمانی رخ نمی‌دهد**، دولت فعالانه شروع به **گشایش عصر جدید** «تحرك بخشی سرمایه‌گذاری (با سرمایه)» در امتداد مسیر توسعه‌ای کرد که پورتر (۱۹۹۰) توصیف نمود.

## ۴- تحرك بخشی صنایع سنگین و شیمیایی و عملکرد آنها

مرحله دوم (۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹) را می‌توان دوره «**تعمیق صنعتی**» در کره توصیف کرد. اگر چه پیشبرد صنایع سنگین و شیمیایی پیش از آن به عنوان یکی از اهداف در برنامه پنج ساله دوم گنجانده شده بود، در ۱۹۷۳ به یک **راهبرد توسعه خاص صنعتی‌تر** تبدیل شد. شش صنعت راهبردی برای پیشبرد **فعال** طراحی شده بود: صنایع فولاد، فلزات غیر آهنی، کشتی‌سازی، ماشین‌آلات، الکترونیک و شیمیایی. معیارهایی برای گزینش این صنایع گنجانده شد.

### (۱) اثرات پیوند پیشین و پسین بین صنایع

(۲) اثرات انگیزشی **ارزش افزوده‌دار** و بنابراین کمک به رشد تولید ناخالص داخلی

(۳) اثرات **درآمد** ارزی یا پس‌اندازی

(۴) بهره‌برداری از منابع طبیعی **داخلی**

(۵) در دسترس بودن سرمایه خارجی برای **صنایع خاص منتخب**

صنایع منتخب باید **چنان اندازه‌ای می‌داشتند** که امکان بهره‌برداری از **صرفه‌های مقیاس**، برای کارایی تولید، وجود داشته باشد. همان‌طور که توسط لیم (۱۹۹۴) ذکر گردید، مهمترین منبع رشد تولید در کشورهای در حال توسعه، افزایش موجودی سرمایه بود. پل کراگمن (۱۹۹۵) استدلال کرد هیچ معجزه اقتصادی در کره وجود نداشته است، چون که رشد این کشور عمدتاً از طریق انباشت ساده عوامل تولید به دست آمده است. براساس نظر وی، آنچه در پشت رشد سریع کره وجود داشت، «صرفاً» سرمایه‌گذاری سنگین و جابجایی عظیم نیروی کار از کشتزارها به کارخانه‌ها بوده است نه از منافع بهره‌وری بر اساس پیشرفت فناورانه باشد. اما یک بررسی توسط (یو بی اس ۱۹۹۶) نشان داد، استدلال کراگمن در معرض مشکلات اندازه‌گیری جدی بوده است. به علاوه،



سرمایه‌گذاری به سرعت در حال افزایش، به تنهایی یک دستاورد بود و در میانه سرمایه‌گذاری سنگین، نقش برجسته دولت دیده می‌شد.

**دولت کره تمهیدات روشن و با بصیرتی** برای ترغیب سرمایه‌گذاری خصوصی و پشتیبانی از صنایع منتخب برگزید که شامل اینها می‌شود:

(۱) وام‌های صادراتی با نرخ‌های **بهره ترجیحی**

(۲) نرخ **استهلاک تصاعدی**

(۳) **صندوق‌های حمایت از تولید** برای صادرکنندگان

(۴) معافیت‌های **تعرفه ای و تخفیف‌های دولتی** بابت واردات کالاهای سرمایه‌ای، نهاده‌های واسطه‌ای و مواد خامی که در داخل تولید نمی‌شود.

دولت کره در تشکیل ساختار صنعتی سرمایه‌بر پیشرفته‌تر **مصمم** بود. بخشی از اعتمادی که دولت کره طی دوره تحرک‌بخشی صنایع سنگین و شیمیایی نشان داد، از افزایش « **عوامل پیشرفته** » در کره ناشی می‌شد که عمدتاً طی دهه ۱۹۶۰ **ایجاد گردید**. در مرحله دوم، **دولت کره عمیقاً نگران صرفه‌های مقیاس « صنایع مناسبی »** که آنها برگزیدند، بود. این صنایع برای رسیدن به **حداقل مقیاس کارا در تولید**، نیاز شدیدی به افزایش فروش محصول از طریق تقاضاهای فرامرزی داشتند. بنابراین، توسعه صادرات به عنوان اولویت نخست در سراسر دهه ۱۹۷۰ باقی ماند. اگر چه « **بخش‌های هدف** » از صنایع « **کاربر** » به صنایع « **سرمایه‌بر** » **تغییر** یافت. بخش‌های خصوصی نمی‌توانستند در کسب و کارهای بزرگ مقیاس و درازمدت سرمایه‌گذاری کنند، چون که منابع مالی آنها محدود بوده و تمایلی به پذیرش ریسک‌های سرمایه‌گذاری نداشتند. **بنابراین، دولت کره « رانت‌هایی » مصنوعی خلق کرد** تا باعث سرمایه‌گذاری در این « **بخش‌های در حال ترقی** »، با محدود سازی **ورود جدید** به این بازارها و فراهم کردن **وام‌های مساعد** مورد نیاز شود.

سیاست تحرک‌بخشی HCI، ظاهراً باعث مشکل ناکارایی سرمایه (مساله ظرفیت زیر حد مطلوب) دهه ۱۹۷۰ شد. اقتصاددانان نئوکلاسیک، سیاست تحرک‌بخشی HCI را نمونه خوبی می‌دانستند که چگونه یک سیاست که از طرح انگیزشی بی‌طرفانه منحرف می‌شود شکست می‌خورد و « **نه مزیت نسبی ایستا** » و نه هر معیار دیگری



نتوانست سرمایه‌گذاری سنگین انجام شده در این صنایع را **توجیه** نماید» (پارک، ۱۹۹۱). **اما شایان توجه است که افزایش صادرات کره در دهه ۱۹۸۰ در صنایعی مثل محصولات برقی مصرفی، نیمه‌هادی‌ها، سایر محصولات کامپیوتری، تجهیزات مخابراتی، و خودروهای سواری بیش از همه دیده می‌شد.** این‌ها محصولات صنایع سنگینی بودند که **عمدتاً** تحت سیاست‌گذاری صنعتی در **مرحله دوم حمایت شدند.**

با توجه به تجربه دهه ۱۹۸۰، به نظر می‌رسد تحرک بخشی HCl در کره ظاهراً با **وقفه زمانی** عمل می‌کردند. بانک جهانی (۱۹۸۷) و چانگ (۱۹۹۳) نیز به بهبود عملکرد HCl دهه ۱۹۸۰ حساس هستند. چانگ (۱۹۹۳) پس از بررسی عملکرد صنعتی نسبی کره از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸، استدلال کرد **که برنامه HCl در کره به هیچ وجه یک شکست نبوده است.** بر اساس بررسی چانگ (۱۹۹۳)، نرخ رشد واقعی سالانه صنایع سنگین در کره برای سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸ رقم ۱۷/۲ درصد بود و برای صنایع شیمیایی طی همان دوره ۷/۵ درصد. در مقایسه با **ارقام متناظر برزیل** (به ترتیب ۰/۶ درصد و ۲/۶ درصد) و **مکزیک** (به ترتیب ۲/۷ درصد و ۳/۴ درصد)، این ارقام از عملکرد بهبود یافته ولی با وقفه در دهه ۱۹۸۰، پشتیبانی می‌کند. وقتی برنامه HCl در ۱۹۷۳ معرفی شد، سهم هدف صادرات HCl نسبت به کل صادرات برای ۱۹۸۰، ۵۰ درصد تعیین شد. این هدف در سال ۱۹۸۰ به دست نیامد بلکه **تنها چند سال بعد** در ۱۹۸۳ حاصل شد، که این سهم به ۵۶ درصد رسید و از هدف اولیه پیشی گرفت<sup>(۷)</sup>. راهبرد توسعه طی مرحله دوم در کره **بی‌مانند** بود؛ به این صورت که **دولت بازار سرمایه را کاملاً کنترل کرد و محدودیت‌های شدیدی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برقرار کرد**<sup>(۸)</sup>. بر خلاف موارد مالزی، سنگاپور و تایلند که **بانک‌ها در مالکیت خصوصی بودند** و قدرت مستقلی برای وام‌دهی داشتند، دولت کره از طریق **بانک‌های تجاری عمومی تخصیص اعتبار را شدیداً کنترل می‌کرد.** هدایت و سوق‌دهی اعتبار به **بخش‌ها و بنگاه‌های معین** از طریق بانک‌های دولتی و **خصوصی** یکی از **ابزارهای مهم رسیدن به اهداف سیاستی بود** (بانک جهانی، ۱۹۹۳). **بنگاه‌های بزرگ** که در این بخش‌های راهبردی درگیر بودند از **ذینفعان اصلی «تامین مالی ترجیحی» گسترده بودند.**

**برخلاف برزیل،** که بیشتر بخش‌های سرمایه‌بر در **مالکیت عمدتاً خارجی بودند، دولت کره با دقت توسعه فناوریانه بومی را تعقیب کرد**<sup>(۹)</sup>. اگر چه مبانی قانونی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کره با تصویب «قانون انگیزه‌بخشی سرمایه خارجی» در ۱۹۶۰ شکل گرفت، تنها پس از ۱۹۶۵ بود که ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کره **شروع به رشد کرد.** کره روابط دیپلماتیک و اقتصادی خود با ژاپن را در ۱۹۶۵

عادی سازی کرد. میانگین سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کل ورود سرمایه خارجی (به استثنای کمک خارجی) بین ۱۹۶۲ تا ۱۹۸۳ **تنها ۵ درصد بود** (آمسدن، ۱۹۸۹). میانگین ورود سرمایه مستقیم خارجی طی برنامه پنج ساله دوم (۱۹۶۷ تا ۱۹۷۱) **۴۳ میلیون دلار بود**. ورود سرمایه مستقیم خارجی که طی ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ به سرعت افزایش یافت، تا پایان دهه ۱۹۷۰ راکد شد، اما دوباره از ابتدای دهه ۱۹۸۰ شروع به رشد کرد و طی ۱۹۸۷ تا ۱۹۸۸ به شدت شتاب گرفت. میانگین سهم کلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کل ورود سرمایه دراز مدت حدود ۵ درصد در انتهای دهه ۱۹۷۰ بود که در ۱۹۸۸ به بیش از ۳۰ درصد افزایش یافت. رقم مربوط به سنگاپور حدود ۶۰ درصد در دهه ۱۹۸۰ و حدود ۷۰ درصد برای تایوان در همین دوره بود (هویان، ۱۹۹۳). **در کره تنها ۶ درصد شرکت‌های چندملیتی دارای شرکت‌های تابع در مالکیت کامل بودند**. در مقایسه مکزیک و برزیل که به ترتیب ۵۰ درصد و ۶۰ درصد بود. همان‌طور که پورتر (۱۹۹۰) اشاره کرد « دولت کره تشکیل و ارتقای شرکت‌های بومی را تشویق کرد». بنگاه‌های کره‌ای همچنین مایل به سرمایه‌گذاری در فناوری وطنی بودند. تجربه کره شاید استدلال پورتر (۱۹۹۰) را تایید کند که « **شرکت‌های چندملیتی خارجی تنها باید یکی از عناصر و اجزای راهبرد اقتصادی یک ملت در حال توسعه باشد**».

## ۵- جابجایی هدف و ارتقای دائمی

رشد صادرات در کره از ۱۹۷۷ کند شد و مقدار مطلق آن در ۱۹۷۹ کاهش یافت. رشد اقتصادی هم ناگهان سست گردید و به نرخ رشد منفی ۴/۸ درصد در ۱۹۸۰ منجر شد. تورم از مدتها پیش بالا بود و بهره‌برداری از ظرفیت در صنایع سنگین پایین آمد. در آوریل ۱۹۷۹ دولت کره، برنامه تثبیت جامع\* را اعلام کرد. محتوای اصلی برنامه تثبیت جامع، شامل این موارد می‌شد:

(۱) **کوچک سازی نقش هدفگذاری سیاستی** در عملیات وام‌های سیاستگذاری شده و نرخ‌های بهره ترجیحی

(۲) **افزایش نسبت آزادسازی تجاری** از ۶۹ درصد در ۱۹۸۶ به ۹۵ درصد در ۱۹۸۸

(۳) تاکید بر پیشبرد سرمایه‌گذاری در بخش **فناوری**، از ۰/۹ درصد تولید ناخالص ملی در ۱۹۸۰ به ۲ درصد در ۱۹۸۶ و ۲/۵ درصد در ۱۹۹۰<sup>(۱۰)</sup>.

\* Comprehensive Stabilization Program (CSP)



قانون پیشبرد توسعه فناوری که ابتداء در ۱۹۷۳ تصویب شد، در ۱۹۸۱ تقویت گردید تا انگیزه‌های مالیاتی جدید برای سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه فراهم کند.

دولت به پذیرش نقش تهاجمی در تجدید ساختار صنایع مشکل‌دار، پیشبرد تجارت عادلانه، و توسعه فناوری ادامه داد. همچنین با ادغام تولیدکنندگان اصلی تجهیزات الکتریکی سنگین (هیوسونگ، سانگ یانگ و کولونگ)، صنعت ماشین‌آلات را در ۱۹۸۰ بازسازی کرد و جایگاه انحصاری به آنها اعطا نمود. مجتمع صنعتی چانگوون متعلق به شرکت هیوندای اینترنشنال (که در ۱۹۸۰ تحت مدیریت کپکو به خایک تغییر نام داد) ملی شده و به دو جزء تحت مدیریت سامسونگ، ال جی و کپکو در ۱۹۸۳ تقسیم شد. برنامه بهینه‌سازی صنعت کشتیرانی شروع شده بود، که به کاهش تعداد شرکت‌ها از ۶۰ به حدود ۱۵ منجر شد (بانک جهانی ۱۹۸۷). قانون تجارت منصفانه در ۱۹۸۱ تصویب شد تا از رویه‌های تجارت منصفانه داخلی در برابر ادغام‌های ضد رقابتی و همچنین رویه‌های تجاری محدودکننده محافظت کند.

سیاستگذاران کره‌ای تاکید شدیدی بر سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و ارتقای فناوری داشتند. سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه در دهه ۱۹۸۰ افزایش چشمگیری یافته بود. نسبت سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه کره هنوز در مقایسه با کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) پایین بود، اما در بین کشورهای در حال توسعه در بالاترین نسبت قرار داشت (بانک جهانی ۱۹۸۷). ماشین‌آلات، محصولات برقی، پلاستیک، حمل و نقل و سایر حوزه‌های شیمیایی، صنایعی بودند که برای افزایش سریع نسبت مخارج تحقیق و توسعه، هدفگذاری شدند. به علاوه، پروژه ملی برای تحقیق و توسعه در ۱۹۸۲ تاسیس شده بود تا از پروژه‌های تحقیق و توسعه عمومی و نیز پروژه‌های مشترک عمومی - خصوصی در زمینه‌های فناوری پیشرفته الکترونیک، شیمی و مهندسی پشتیبانی شود. به علاوه، بودجه عمومی (تقریباً ۴۰ درصد از مخارج تحقیق و توسعه کره) از مراکز پژوهشی گوناگون علمی و مهندسی برای ارتباطات، انرژی و منابع، ماشین‌آلات، الکترونیک و شیمیایی پشتیبانی کرده بودند. در نتیجه، مخارج تحقیق و توسعه در دهه ۱۹۸۰ به سرعت گسترش یافت. برای مثال تعداد مراکز پژوهشی بین ۱۹۸۲ و ۱۹۸۴ دو برابر شد.

ترکیب یارانه‌های صادراتی نیز تغییر شگرفی کرد. میزان تامین مالی صادرات برای ارتقای تجهیزات طی دهه ۱۹۸۰ به شدت افزایش یافت، در حالی که برای اهداف بهره‌برداری طی همین دوره شدیداً کاهش یافت.

بسیاری از اقتصاددانان استدلال می‌آورند که تغییر محسوسی در فلسفه دولت درباره نقش خود در آغاز دهه ۱۹۸۰ رخ داد. آنها انتظار داشتند این تغییرات، اثرات بد انباشت‌شده سیاست‌های صنعتی را که طی تحرک‌بخشی HCI اجرا شد تصحیح نماید. این درست است که دولت کره، یک برنامه گسترده مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی را از ۱۹۷۹ به این سو دنبال کرد. رایج‌ترین دلایل ارائه شده برای تبیین این چرخش در سیاست عبارتند از:

(۱) سیاست صنعتی به سبک کره، شاید در مرحله اولیه توسعه، بیش از همه اثربخش بوده باشد.

(۲) اندازه و پیچیدگی اقتصاد کره رشد بسیار زیادی کرده بود و کنترل دقیق دولت بر اقتصاد، ظاهراً حالا دیگر کارساز نبود.

(۳) باور بر این است که ریسک شکست سیاست‌گذاری، به علت نبود اطلاعات، افزایش یافته بود.

اما هنوز این تاکید طرفداران بازار آزاد متقاعدکننده نیست که، رژیم سیاستی بازارگراتر کره طی دهه ۱۹۸۰، **عملکرد اقتصادی بهتری** طی همان دوره به بار آورد. واقعیت در کره، برای سه دهه گذشته، خلاف آن را نشان می‌دهد. نرخ‌های آزادسازی بالاتر با میانگین نرخ‌های رشد اقتصادی پایین‌تر در کره مرتبط بوده است. **عقلایی نیست که صرفاً به این مفهوم متعالی اتکا کنیم که دستان نامرئی کافی هستند تا عملکرد بهتر در هر اقتصاد را تضمین کنند.** بدون توجه به مرحله توسعه یک کشور، **بازارها هرگز برای اقتصاد کافی نبوده‌اند و دولت نقش حیاتی برای ایفا کردن،** به ویژه در اقتصادهای در حال توسعه‌ای مثل کره، داشته است.

حامیان بازار آزاد، ویژگی‌های اساسی راهبرد توسعه کره مثل «جابجایی هدف» و «ارتقای دائمی» ساختار صنعتی را کامل درک نمی‌کنند. دخالت دولت در کره همیشه **عمقی و گسترده** بوده است. «هدف» سیاست‌ها تفاوت راهبردی، در بین مراحل در حال تغییر توسعه اقتصادی در کره داشت. دولت کره به شیوه جدیدی عمل کرد تا **بستر را برای خلق مزیت نسبی آتی** آماده کند. آنگونه که دولت کاملاً تشخیص داد، رشد تولید بواسطه «انباشت خالص سرمایه» بدون **پیشرفت فنی**، محدودیت‌های شدیدی در مسیر ادامه رشد تولید در معرض دید گذاشت<sup>(۱۱)</sup>. **دولت کره دوباره برنامه‌هایش را تغییر داد تا عصر جدید «مرحله محرک نوآوری» را شروع کند** تا که در مسیر توسعه مایکل پورتر باشد.



دولت کره « برنامه پنج ساله برای اقتصاد جدید ۱۹۹۷-۱۹۹۳ » را زیر نظر خود آغاز کرد. بر اساس این برنامه، سه هدف اصلی اقتصاد جدید عبارتند از:

(۱) ارتقای پتانسیل رشد

(۲) تقویت بین‌المللی شدن

(۳) بهبود محیط زندگی

در رابطه با پیشبرد ارتقای فناوری، دولت کره، همان‌طور که اقتصاددانان محض نئوکلاسیکی استدلال کردند، یک رژیم انگیزشی بی‌طرف، نقش تهاجمی و رهبری را به شرح زیر مشخص می‌کند:

(۱) سرمایه‌گذاری فرآیندها در تحقیق و توسعه به ۳ تا ۴ درصد تولید ناخالص داخلی در ۱۹۹۸ و پروژه‌های تحقیق

و توسعه که دولت، با کارایی راه‌اندازی می‌کند.

(۲) ارتقای صنایع اطلاعات راهبردی که شامل رایانه‌های شخصی بسیار کوچک، چندرسانه‌ای، و نسل بعدی

سیستم‌های سویچینگ است.

(۳) نهادهای پژوهشی با منابع دولتی را، کاملاً تخصصی و وظیفه‌مدار ساخته و پشتیبانی از تلاش‌های بنگاه‌های

خصوصی، برای راه‌اندازی تحقیقات مشترک با چنین نهادهایی، دانشگاه‌ها و سایر بنگاه‌های خصوصی برای

توسعه فناورانه کاراتر.

(۴) ساختن یک شبکه اطلاعاتی برای تجارت و توزیع خدمات و پشتیبانی از کامپیوتری کردن بنگاه‌های کوچک

و متوسط اندازه (کایپ، ۱۹۹۳).

## ۶- نتیجه‌گیری



محصولات کاربر در مرحله جهش، محصولات سرمایه‌بر در مرحله تحرک بخشی HCl و محصولات فناوری‌بر در مرحله آزادسازی، اهداف جایجا شده سیاستگذاری صنعتی در کره می باشند. ساختار صنعتی نیازمند «ارتقای دائمی» برای بقا و موفق شدن در بازار رقابتی بین‌المللی بودند.

اقتصاد کره با یک رژیم بازار محور فاصله زیادی داشته است. راهبرد توسعه اقتصادی کره، از نوع آزادی اقتصادی و بگذار بگذرد بازار آزاد نیست. سازوکار بازار در کره به نحو کارائی عمل نکرد تا تمام نقش‌های مثبت دولت را نفی کند. «دولت کره رشد اقتصادی را از طریق "اداره کردن بازارها" و "قیمت‌های اشتباهی وضع کردن" و انگیزش‌های منظم اختلال‌زا، به منظور شتاب بخشی و رسیدن به سطوح بالای توسعه تقویت کرد (یعنی تسهیل در ایجاد و رشد بخش‌های صنعتی که تحت کارکردهای مزیت نسبی، شکوفا نمی‌شدند) (بانک جهانی، ۱۹۹۳)». باید توجه داشت که نمی‌توان تصویر کاملی از موفقیت اقتصادی کره بدون ملاحظه جدی چارچوب سیاستگذاری برتر آن مشاهده کرد.

دخالت دولت در کره همیشه گسترده و شایع بوده است. خط مشی دولت کره نه از حیث درجه، بلکه از حیث سوگیری تغییر کرده است. حتی در انتهای ۱۹۹۰، سرنوشت هزاران شرکت و میلیون‌ها کره‌ای بستگی به این دارد که چگونه دولت با بحران جاری اقتصادی کنار بیاید. آزادسازی بازار، اصلاح ساختار، و اصلاحات، تمامی دستور کار آنی، اما بستگی به چگونگی اثر گذاری دولت دارد. کنار گذاشتن نقش رهبری دولت برای اقتصاد، پس از بیش از چهار دهه کنترل مستقیم، مستلزم یک دوره زمانی طولانی‌تر است و هنوز نقش قاطع و محوری دیگری، توسط دولت را طلب می‌کند. نخستین، دومین و سومین مرحله در کره برحسب دامنه و میزان دخالت دولت تفاوتی ندارد. این محتوای سیاست‌ها بود که تفاوت چشمگیری در بین مراحل متفاوت توسعه داشت. بدون درک ماهیت سیاست‌های صنعتی کاملاً متوالی، و بدون تبیین ماهیت راهبردهای تجارت دولتی کاملاً مدیریت شده در مراحل اولیه توسعه، پاسخ دادن به این پرسش که چگونه و چرا کره موفق به توسعه اقتصادی شد، همیشه ناقص خواهد بود<sup>(۱۲)</sup>.

یادداشت‌ها :



۱- پژوهش گسترده درباره نقش دولت کره در دهه ۱۹۹۰، از دیدگاه مداخله‌گرایانه، فراتر از حوصله این مقاله است. این مقاله به نقش دولت در مراحل اولیه توسعه می‌پردازد. **مراحل متفاوت توسعه ظاهراً نیازمند نقش‌های متفاوت دولت است.** آینده اقتصاد کره بستگی دارد که چگونه دولت به چالش تعدیل و اصلاحات واکنش نشان می‌دهد. دولت باید کار بسیار زیادی انجام دهد تا از بحران اقتصادی جاری خارج شود. عوامل ساختاری و ادواری گوناگونی از قبیل چابول‌های (غول‌های صنعتی) با بدهی‌سنگین، انعطاف‌ناپذیری بازار کار و سرمایه، قدرت تمرکز بالا در چندین صنعت، نظام‌های مالی ناکار، زیرساخت ناکافی، و فساد از سوی اقتصاددانان به عنوان علل مشکلات اخیر در کره مطرح شده‌اند.

۲- در تفسیر موفقیت شرق آسیا، بانک جهانی (۱۹۹۳) دیدگاه به اصطلاح نگاه موافق بازار، را افزود. نگاه موافق بازار یک نسخه بسط‌یافته از نگاه نئوکلاسیکی است که این واقعیت را تایید می‌کند که **تجربیات شرق آسیا هم‌خوانی کامل با مدل نئوکلاسیکی ندارد.** بر اساس این نگاه، دولت‌ها باید چهار کار ویژه رشد انجام دهند: اطمینان از سرمایه‌گذاری‌های کافی روی مردم (سرمایه انسانی)، ارائه فضای رقابتی برای کسب و کارهای خصوصی، باز نگه‌داشتن اقتصاد به روی تجارت بین‌الملل، و حفظ ثبات اقتصاد کلان. اگر دولت‌ها فراتر از این نقش‌ها عمل کنند احتمالاً زبانی که می‌رسانند بیشتر از نفع است (بانک جهانی، ۱۹۹۳). برای مطالعه تطبیقی بر اساس این نگاه، نگاه کنید به لیم (۱۹۹۴).

۳- مشوق‌های صادراتی در کره، همان‌طور که اسمیت (۱۹۹۱) اظهار داشت شامل اینها است:

#### (۱) کاهش ارزش دوره‌ای پول

(۲) دسترسی ترجیحی به واردات مورد نیاز برای تولید صادرات

(۳) معافیت‌های تعرفه‌ای

(۴) تخفیف مالیاتی

#### (۵) مالیات غیر مستقیم داخلی

(۶) مالیات مستقیم کمتر

(۷) نرخ استهلاک تصاعدی

(۸) استحقاق وارداتی

(۹) حقوق انحصاری

## ۱۰) نرخ بهره یارانه‌ای

## ۱۱) اعتبار ترجیحی

۱۲) کاهش مالیات بر خدمات عمومی و نرخ راه‌آهن

۱۳) استقرار نظام بیمه اعتبار صادراتی و ضمانت‌نامه

۱۴) مناطق آزاد تجاری، پارک‌های صنعتی و زیرساخت صادرات محور

۱۵) بنگاه‌های عمومی

۱۶) پیشبرد فروش صادرات

## ۱۷) هماهنگ‌سازی کلی تلاش‌های هر بخش برای ارتقای سطح میانگین فناوری

## ۱۸) هماهنگی دولت در توافقات مجوزدهی فناوری خارجی

۱۹) هدفگذاری صادراتی.

اسمیت (۱۹۹۱) پس از تجزیه و تحلیل سیاست‌های صنعتی در اقتصادهای جدیداً صنعتی شده اصلی، نتیجه گرفت «**چه چیزی صادر کنیم؟**» برای توسعه موفقیت‌آمیز اهمیت دارد و «**محصولات صنعتی ساخته شده**» پاسخ به آن پرسش هستند.

۴- طی برنامه پنج ساله دوم تاکید بر ایجاد صنایع اساسی از قبیل سیمان، کود شیمیایی، پالایش نفت، و مواد شیمیایی صنعتی بوده است. این سیاست تمرکز بر صنایع اساسی در کل برنامه پنج ساله دوم ادامه یافت. آهن و فولاد، ماشین‌آلات، مواد الکترونیکی، خودروها، و صنایع پتروشیمی در برنامه پنج ساله دوم اولویت داشت. اگرچه توجه سیاست‌گذاری به این صنایع معطوف شده بود، سرمایه‌گذاری واقعی در این صنایع سرمایه‌بر تنها پس از ۱۹۷۳ روی داد.

۵- برای تحلیل جامع از سیاست صنعتی کره نگاه کنید به: جونز و ساکونگ (۱۹۸۰)، ماسون (۱۹۸۰)، بانک جهانی (۱۹۸۷-۱۹۹۳)، هونگ (۱۹۸۸)، اسمیت (۱۹۹۰)، وید (۱۹۹۰)، کوون (۱۹۹۰)، پورتر (۱۹۹۰)، کوربو و سوه (۱۹۹۲).

۶- بر اساس نظر فاینی (۱۹۸۸) و کوی و کواک (۱۹۹۰)، **مشوق‌های مالیاتی صرفاً نقشی حداقلی** در توسعه صادرات داشتند، در حالی که **مشوق‌های مالی نقش اصلی در فرایند توسعه صادرات محور کره برعهده گرفتند**. اعتبار صادراتی حدود ۱۱/۳ درصد کل وام‌ها در کره در ۱۹۸۵ را تشکیل داد (چو، ۱۹۹۰).

۷- اما بر اساس عملکرد سیاست HCl برای «نرخ رشد محصول» کامل نیست به این معنا که **تحلیلی یک‌طرفه متمرکز بر جنبه‌های فایده‌مندی** یک پروژه معین است. **بدون ملاحظه طرف نهاده (هزینه) در تولید**، بندرت امکان دارد که هر ارزیابی





معنادار از برنامه HCl استخراج شود. هنوز هم در سطحی گسترده پذیرفته شده است که تحرک بخشی HCl جاه طلبانه بود و منجر به عدم تخصیص جدی منابع شد (بانک جهانی، ۱۹۸۷). مسئله اضافه ظرفیت در بخش تولیدات کارخانه‌ای عمدتاً با این سرمایه‌گذاری شجاعانه HCl طی ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ ایجاد شد. یوو (۱۹۹۰) کارایی سرمایه در تولیدات کارخانه‌ای را برآورد کرد و روند کاهنده آن در دهه ۱۹۷۰ و ابتدای ۱۹۸۰ را نشان داد. کارایی سرمایه پس از انتهای دهه ۱۹۸۰ دوباره بالا رفت. تحلیل مفصل هزینه-فایده برنامه HCl هم در کوتاه مدت و بلندمدت به بحث پرمناقشه در عملکرد سیاست تحرک بخشی HCl در کره طی ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ دامن خواهد زد.

۸- اسمیت (۱۹۹۱) تاکید دارد که «**تجهیز و تخصیص سرمایه از طریق بازارهای مالی داخلی در مرکز سیاستگذاری اقتصادی کره قرار داشت**». او همچنین متوجه شد **دولت کره** با معرفی **نظام تامین اجتماعی**، **دستمزدها را نسبتاً پایین نگه داشت** که قدرت چانه‌زنی کارگران را کاهش داد. بانک جهانی (۱۹۹۳) گزارش می‌دهد که در کره و تایوان، **دستمزدهای واقعی تقریباً با آهنگی مشابه تولید ناخالص داخلی واقعی افزایش یافت**. برای تبیین مفصل درباره سرکوب اتحادیه‌های کارگری در شرق آسیا نگاه کنید به فیلدز (۱۹۹۲) و فریمن (۱۹۹۲).

۹- استقبال از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تملک فناوری در هنگ کنگ، مالزی، سنگاپور و به تازگی در اندونزی و تایلند سرعت بخشید. تایوان میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را محدود کرد اما این عدم‌مزیت با تملک ته‌اجمی دانش خارجی از طریق مجوزها و سایر ابزارها خنثی گردید. هند و آرژانتین سیاست‌هایی را اقتباس کردند که مانع تملک دانش خارجی می‌گردید (بانک جهانی، ۱۹۹۳). **سهم بنگاه‌های خارجی در ارزش افزوده بخش تولیدات کارخانه‌ای در کره ۱۰/۷ درصد و سهم در صادرات ۲۴/۴ درصد در ۱۹۸۵ بود** (هیون، ۱۹۹۳). سیاستگذاران کره ای، **وام‌های خارجی** را به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی **ترجیح می‌دادند**. صنایع صادرات محور و **یا فناوری بر**، سهم زیادی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در کره جذب کردند در حالی که سایر صنایع، مثلاً صنایع نوزاد، صنایع آلوده‌کننده، کشاورزی و شیلات، صنایع کالاهای مصرفی، **صنایع با محتوای مواد خام وارداتی بالا در معرض محدودیت‌هایی بودند**.

۱۰- سایر محتویات برنامه تثبیت جامع عبارت بودند از:

(۱) مدیریت بودجه انقباضی با کاهش مخارج و **تعویق پروژه‌های سرمایه‌گذاری عمومی**

(۲) **خصوصی‌سازی بانک‌های تجاری**

(۳) برنامه‌هایی برای تعدیل سرمایه‌گذاری در صنایع سنگین و شیمیایی

#### ۴) افزایش سهم وام‌های بانگی به بنگاه‌های کوچک و متوسط

۱۱- اگر ما یافته‌های بانک جهانی (۱۹۹۱) را کاملاً بپذیریم، **۵۷ درصد رشد محصول در شرق آسیا به رشد سرمایه، ۱۶ درصد به رشد نیروی کار، و ۲۸ درصد به پیشرفت فنی** طی ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۷ نسبت داده می‌شود. اما برای کشورهای توسعه یافته بیشتر رشد محصول (با میانگین حدود ۷۰ درصد) به پیشرفت فنی طی ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ نسبت داده می‌شود.

۱۲- برای تلاش‌های معمولی در ارائه شواهد تجربی در رابطه با بحث در جریان در منابع واقعی توسعه اقتصادی موفقیت‌آمیز کره نگاه کنید به، هِنو (۱۹۹۶-۱۹۹۷)، لی (۱۹۹۶)، بارو و لی (۱۹۹۴)، پارک (۱۹۹۶)، توماس و وانگ (۱۹۸۸)، لیسم (۱۹۹۴)، چن و تانگ (۱۹۹۰)، دلار و سرکولوف (۱۹۹۰)، بومن، براگا و کوون (۱۹۹۵)، نی شی میزو و رابینسون (۱۹۸۴)، بالاسا و سایرین (۱۹۸۶).

#### منابع:

Adams, F. G. & C. A. Bollino (1983). Meaning of Industrial Policy, in Adams and L. R. Klein eds., Industrial Policies for Growth and Competitiveness: An Economic Perspective. Lexington Books. ch.2, p.15.

Amsden, A. H. (1989). Asia's Next Giant: South Korea and Late Industrialization. New York, Oxford: Oxford University Press.

Balassa, B. (1982). *Developing Strategies in Semi-Industrialized Economies*. Baltimore, Maryland: The Johns Hopkins University Press.

Balassa, B. (1990). Korea's Development Strategy, in Jene K. Kwon ed, *Korea Economic Development*, Greenwood Press, Connecticut, pp.1–17.

Balassa, B., E. Voloudahis, E. P. Fylahtos & SukTai Suh (1986). Export Incentives and Export Growth in Developing Countries: An Econometric Investigation. World Bank, DRD 159.

Barro, R. J. & Lee, J. W. (1994). Sources of Economic Growth. *Carnegie-Rochester Conference Series on Public Policy*, 40, 1–46.

Bauman, R. & Braga H. (1988). Export financing in LDCs: the role of subsidies for export performance in Brazil. *World Development*, 16 (7), 821–833.

Burch, D. (1987). *Overseas. Aid and the Transfer of Technology*. Gower Publishing Co., England.

Chang, H. J.(1993). The political economy of industrial policy in Korea. *Cambridge Journal of Economics*, 17, 131–157.

Chen, T. J. & D. P. Tang (1990). Export performance and productivity growth: the case of Taiwan. *Economic Development and Cultural Change*, 38, 577–585.

Cho, Y. J. (1990). The Financial Policy and Financial Sector Development in Korea and Taiwan, in Kwon, ed., *Korean Economic Development*, Greenwood Press, Connecticut: 225–243.

Choi, K. & T. Kwack (1990). Tax Policy and Resource Allocation in Korea. Jene Kwon ed., *Korean Economic Development*. Greenwood Press, Connecticut: 247–262.

Corbo, V. & S. M. Suh (1992). eds. *Structural Adjustment in a Newly Industrialized Country*. A World Bank Book. Baltimore: The Johns Hopkins University Press.

Dollar, D. & Sokoloff, K. (1990). Patterns of productivity growth in South Korean manufacturing industries, 1963–1979. *Journal of Development Economics*, 33, 309–328.

Faini, R. (1988). *Export Supply, Capacity, and Relative Prices*. World Bank, PPR #123.

Fields, G. S. (1992). *Changing Labor Market Condition and Economic Development in Hong Kong, Korea, Singapore, and Taiwan, China*. Background paper for *The East Asian Miracle*. World Bank, Policy Research Department, Washington, D.C.

Franco, S., A. Eguren, & D. Baughman (1988). *Korea's Experience with the Development of Trade and Industry: Lesson for Latin America*. EDI Policy Seminar Report No, 14, World Bank, Washington, D.C.

Frank, C. R., K. S. Kim & L. Westphal (1975). *Foreign Trade Regimes and Economic Development: South Korea*. New York, NBER, Columbia Press.

Freeman, R. (1992). Does Suppression of Labor Contribute to Economic Success? *Labor Relations and Markets in East Asia*. Background paper for "The East Asian Miracle", World Bank, Policy Research Department, Washington, D.C.

Heo, Y. (1996). The real source of productivity growth: a dynamic analysis of Korean manufacturing industries. *Asian Economies*, 25(4), 21–40.

Heo, Y. (1997). Export subsidies, learning-by-doing, and foreign demand: an analysis of South Korean Export Performance. Proceedings at Northeast Universities Development Consortium Conference, Williams College, Oct. 1997.

Hong, W. T. (1988). Market Distortion and Trade Patterns of Korea: 1960–85: Seoul, KDI No.8807.

Hyun, J. T. (1993). The Impact of Direct Foreign Investment on the Total Factor Productivity of Developing Countries: Case Study of Korea and Taiwan. Ph. D. Dissertation, George Washington University.

Jones, L. & Sakong, I. (1980). Government, Business, and Entrepreneurship in Economic Development: The Korean Case. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Kim, P. J. (1990). Korea's Financial Evolution, 1961–1986. in Kwon, ed., *Korean Economic Development*, Greenwood Press, Connecticut: 185–205.

KIEP. (1993). Korea's New Int'l Economic Policy: The Five-Year Economic Plan for 1993–1997: Seoul, Korea.

Krugman, P. (1995). The Myth of the Asian Miracle. *Foreign Affairs*, 73, No. 6.

Krueger, A. (1980). Trade policy as an input to development. National Bureau of Economic Research, Cambridge Mass.

Kwon, J. (1990). *Korean Economic Development*. Greenwood Press, Connecticut.

Lee, J. W. (1996). Government interventions and productivity growth. *Journal of Economic Growth*, 1, 391–414.

Lee, Y. S. et al. (1987). Report on the promotion of efficiency in the industry-financial policy. KIET, Seoul, Korea, 116.

Luedde-Neurath, R. (1986). Import Controls and Export-Oriented Development. A Reassessment of the South Korea Case. Westview Press.

Lim, D. (1994). Explaining the growth performances of Asian developing economies. *Economic Development and Cultural Change*, 42 (4), 829–844.

Mason, E. S. et al. (1980). *The Economic and Social Modernization of the Republic of Korea*. Cambridge, MA: Harvard University Press.

Nishimizu, M. and S. Robinson (1984). Trade Policies and Productivity Change in Semi-Industrialized Countries. *Journal of Development Economics*, 16, 177–206.

Park, S. R. and J. K. Kwon (1995). Rapid Economic Growth with Increasing Returns to Scale and Little or No Productivity Growth. *The Review of Economics and Statistics*, pp. 332–351.

Park, Y. C. (1991). Country Studies: Korea, in Dornbusch et al. ed., The Open Economy: Tools for policy-makers in developing countries, pp. 336–347.

Porter, M. (1990). The Competitive Advantage of Nations. New York: The Free Press.

Ranis, G. (1978). Equity with Growth in Taiwan. How 'Special' is the 'Special' Case? World Development, 6 (3).

Smith, S. C. (1991). Industrial Policy in Developing Countries: Reconsidering the Real Sources of Export-Led Growth. Washington, Economic Policy Institute.

Thomas, V. & Wang, Y. (1996). Distortions, interventions, and productivity growth: is East Asia different? Economic Development and Cultural Change, 44(2), 265–288.

UBS (1996). The East Asian Miracle. UBS International Finance, Issue 29.

U.S. ITC (1985). Foreign Industrial Targeting and its Effect on U.S. Industries: Phase III: Brazil, Canada, Republic of Korea, Mexico, and Taiwan. Publication NO. 1632, Washington, D.C.

Wade, R. (1990). Governing the Market. Economic Theory and The Role of Government in East Asian Industrialization, Princeton.

Westphal, L. E. (1990). Industrial policy in an export-propelled economy: lessons from South Korea's experience. Journal of Economic Perspectives, 4(3), 41–59.

Westphal, L. E. and K. S. Kim (1977). Industrial Policy and Development in Korea. World Bank Staff Paper, No. 263.

Wolf, C. (1988). Markets or Governments. Choosing between Imperfect Alternatives. Cambridge, Mass: MIT Press.

World Bank (1987). Korea-Managing the Industrial Transition(I)., "Korea-Managing the Industrial Transition(II).

A World Bank Country Study, Washington, D.C.

World Bank (1991). World Development Report. New York: Oxford University Press.

World Bank (1993). The East Asian Miracle. Economic Growth and Public Policy. Oxford University Press, New York, New York.

Yoo, J. H. (1990). The Industrial Policy of the 1970s and The Evolution of the Manufacturing Sector in Korea: KDI No. 9017, KDI, Seoul, Korea.